

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

۲۴۰

خدمات اینترنتی مشاوره حقوقی،

جزایی و مدنی

۱۳۹۰

خدمات اینترنتی مشاوره حقوقی، جزایی و مدنی / تدوین و تنظیم سازمان همیاری
اشتغال دانش آموختگان (جهاد دانشگاهی)

تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰

۹۶ص. مصور (رنگی)، جدول

موسسه کار و تأمین اجتماعی؛ ۲۴۰

۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۴-۹۶-۰۰: ریال. ۱۵۰۰۰

فیبا

اینترنت و خدمات حقوقی - ایران - حقوق - ایران - منابع شبکه کامپیوتری

سازمان همیاری اشتغال دانش آموختگان

مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

۱۳۹۰ خ/۱۶۳۹/۴ KMH

۲۳۵۰۸۱۶

۳۴۷/۵۵



مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

عنوان کتاب: خدمات اینترنتی مشاوره حقوقی، جزایی و مدنی

تدوین و تنظیم: سازمان همیاری اشتغال دانش آموختگان (جهاد دانشگاهی)

صاحب امتیاز: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

www.Issi.ir

سایت مؤسسه کار و تأمین اجتماعی:

هرگونه بهره‌برداری و نقل قول مطالب، منوط به اجازه کتبی از مؤسسه کار و تأمین اجتماعی می‌باشد.

موسسه کار و تأمین اجتماعی: تهران، خیابان پاسداران، ابتدای اختیاریه جنوبی، کوچه آزاده، پلاک ۵

دورنگار: ۲۲۵۸۹۸۹۱

تلفن: ۲۲۵۶۲۷۳۳

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۵
تعریف خدمات.....	۷
فرآیند ارائه خدمات.....	۷۳
امکانات و تجهیزات مورد نیاز.....	۷۷
نیروی انسانی مورد نیاز.....	۷۷
سرمایه مورد نیاز.....	۷۸
تخصص و مهارت‌های مورد نیاز.....	۸۰
وضعیت بازار.....	۸۰
شیوه بازاریابی و معرفی خدمات.....	۸۲
مخاطرات و آفت‌های این شغل و نحوه پیشگیری آنها.....	۸۹
توصیه‌هایی برای بهبود و توسعه شغلی.....	۹۱
سازمان‌ها و مراکزی که با این شغل مرتبط هستند.....	۹۳
معرفی مشاغل مرتبط و مکمل.....	۹۵
معرفی منابع آموزشی و تخصصی مورد نیاز.....	۹۶

پیشگفتار

در دنیای امروز که توسعه پایدار و کاهش فقر و محرومیت، دغدغهٔ کلیه دولت‌هاست نقش سیاست‌های اقتصادی در توسعه اشتغال پرنرگتر می‌نماید. چرا که اشتغال و بیکاری به عنوان شاخصی مهم برای ارزیابی سیاست‌های کلان کشورها محسوب می‌شود. از این رو دولت‌ها می‌کوشند تا به طرق مختلف نرخ بیکاری را کاهش دهند. یکی از این راهها توسعه مشاغل کوچک و متوسط به طور عام و توسعه مشاغل خانگی به طور خاص است که افزایش درآمد و ثروت جامعه را بدنبال دارد. زیرا هر قدر سطح اقتصاد خانوار در جریان اقتصادی کشور بهبود یابد، به همان میزان اقتصاد جامعه نیز رشد پیدا می‌کند، از سوی دیگر خویش‌فرمایی و یا کار در محیط خانه یکی از الگوهای اشتغال در هزاره سوم است که به مدد نرم‌افزارها و شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، شرایطی را فراهم آورده که می‌توان قرن حاضر را قرن توسعه و رونق مشاغل خانگی دانست.

کسب و کار خانگی هم اکنون با بهره‌برداری از امتیازاتی چون توسعه دانش و گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات، حیطه گسترده‌ای را در اکثر حوزه‌های اقتصادی به خود اختصاص داده و در زمره یکی از حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین بخش‌های اقتصادی جوامع به شمار می‌رود. در کشور ما ایران نیز، کاهش نرخ بیکاری و ایجاد اشتغال از جمله اهداف و تکالیف تصریح شده در سند چشم‌انداز و قوانین پنج ساله توسعه کشور محسوب شده و به این منظور، رویکرد توسعه

مشاغل خانگی به دلیل برخورداری از پیامدهای مثبت و متعدد در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد توجه مسئولین امر قرار گرفته است. مطابق قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، منظور از مشاغل یا کسب و کار خانگی، آن دسته از فعالیت‌هایی است که با تصویب ستاد سازماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، توسط عضو یا اعضاء خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی شکل می‌گیرد و منجر به تولید خدمت و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می‌گردد. اما علیرغم تجربه‌های مثبت و موفقیت‌های چشمگیر سایر کشورها چنین طرح‌هایی مستلزم زمینه‌ها و بسترهای لازم است تا منابع و سرمایه‌های کشور هدر نرود و بتواند برای افراد اشتغال و برای کشور آبادانی به همراه آورد. تحقق سیاست توسعه مشاغل خانگی در ایران در شکل صحیح آن، علاوه بر کارکردهای عمومی که همانند دیگر جوامع بر متغیرهای اقتصادی چون اشتغال و تولید داخلی و درآمد سرانه خواهد داشت در حوزه‌هایی همچون احیای فرهنگ کار در خانواده‌ها، جلب مشارکت مردم، تقویت ویژگی‌های کارآفرینی، ارتقاء شاخص‌های اقتصادی در سطوح خرد و کلان جامعه، اصلاح نظام تربیتی، بسترسازی حقوقی مناسب و تأثیر روانشناختی بر اعضای جامعه به ویژه زنان و کودکان نیز منشأ تأثیرات مثبت و قابل ملاحظه‌ای خواهد بود.

مشاغل خانگی، طیف وسیعی از مشاغل سنتی تا نوظهور را در بر می‌گیرد و راه‌اندازی یک کسب و کار خانگی علاوه بر مهارت خاص هر شغل، نیازمند برخورداری از مجموعه‌ای از مهارت‌های اساسی و پایه‌ای همچون مدیریت

منابع، مدیریت زمان، سازماندهی، مدیریت فردی و مهمتر از همه مهارت‌های بازاریابی می‌باشد و فراهم آوردن پیش شرط‌های اطلاعاتی، مهارتی و تجربه عملی، منجر به حصول بهره‌وری بیشتر و توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی خواهد بود. لذا توسعه فرصت‌های شغلی در این زمینه مستلزم همکاری بخش‌های مختلف می‌باشد.

در این راستا، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی با همکاری صمیمانه سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان جهاد دانشگاهی اقدام به تهیه، تدوین و معرفی ۱۵۰ شغل خانگی نموده است.

هدف از این مهم، شناسایی و معرفی مشاغل خانگی به علاقمندان می‌باشد به گونه‌ای که مخاطبان با فرایند ارائه خدمات، نیروی انسانی، وضعیت بازار، مشاغل مرتبط و منابع آموزشی مورد نیاز بیش از پیش آشنا شوند.

امید است تلاش‌های صورت گرفته، گامی مؤثر در جهت تشکیل بانک اطلاعاتی مشاغل خانگی محسوب شده و با الگوسازی مناسب، زمینه اشتغال جوانان میهن اسلامی را فراهم نماید.

دکتر محمدرضا سپهری

رئیس مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

مقدمه

یکی از دستاوردهای تمدن بشری تاسیس دادگاه یا عدالتخانه بوده است. در گذشته افراد جامعه برای احقاق حقوق خود هنگامی که مورد ظلم واقع می‌شدند اگر می‌توانستند، خود حق خویش را باز می‌ستاندند و اگر نمی‌توانستند و قدرتشان محدود بود، تحقیر شده و جفا دیده به حیات خود ادامه می‌دادند. با شکل‌گیری تمدن‌ها نیاز به داوری و احقاق حق از سوی فردی که مقبول طرفین باشد منجر به شکل‌گیری عدالتخانه‌ها شد. اما این عدالتخانه‌ها همواره تحت شعاع حاکمیت بوده و افراد در برابر آن یکسان نبودند. ادیان و مذاهب مختلف نیز سعی نمودند جامعه بشری را به سوی زندگی عادلانه‌تری رهنمون کنند ولی وجود قدرتهای مستبد حاکم که خود را فراتر از هر عدلیه و محکمه می‌دانستند برقراری این خواست دیرین را به تعویق انداختند تا اینکه در دوره جدید موضوع تفکیک قوا و شکل‌گیری عدالتخانه مستقل از دولت زمینه مساعدتر برای احقاق حق افراد فراهم نمود. امروزه زندگی اجتماعی بدون وجود تشکیلات دادگستری و قضایی ممکن نیست. تشکیلاتی که بتواند برای همه افراد جامعه ابزار مناسب استیفای حقوق را فراهم نماید و ضمانت اجرایی قوانین اجتماعی را محقق سازد. این

تشکیلات که به آن قوه قضاییه گفته می شود دارای ساختار معین و ضوابط ویژه‌ای است که با توجه به پیچدگی‌هایی که این قوانین دارند و فرایندهایی که منجر به رسیدگی دادخواهی افراد و رفع تظلمات می شوند امکان اینکه افراد عامی بتوانند بدون راهنمایی و به تنهایی حق خود را بستانند وجود ندارد. آگاهی از این قوانین و تسلط به امور قضایی به امری تخصصی تبدیل شده است که افراد تنها با آموزش‌های تخصصی در مراکز آموزش عالی می‌توانند بدان دست یابند. در واقع تنها متخصصان رشته حقوق و قضا که از طریق دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی تربیت شده‌اند صلاحیت و توانمندی پیگیری امور قضایی و طرح دعوی و دفاع از متهمین را دارند. لذا نیاز به مشاوره حقوقی یکی از نیازهای همه افراد جامعه است که با آگاهی کامل از حقوق خود بتوانند منافع مشروع خود را دنبال کنند و در صورت مظلوم واقع شدن، تظلم خواهی نمایند و داد خود را بستانند. با توجه اینکه این خدمات نیاز به افراد متخصص داشته است در گذشته، همه افراد جامعه امکان بهره‌مندی از مشاوره حقوقدانان و وکلای را نداشتند اما امروزه با توسعه فن‌آوری اینترنت امکان ارائه خدمات حقوقی برای بخش‌های زیادی از جامعه فراهم گشته است و بازار مناسبی برای این خدمات فراهم گشته است.

تعریف خدمات

خدمات اینترنتی مشاوره عبارت است از ارائه مشاوره حقوقی بصورت اینترنتی و نیز وکالت و پیگیری امور حقوقی مراجعه کنندگان. راهاندازی این کسب و کار، نیاز به تسلط و آگاهی در دو حوزه دارد:

۱. آگاهی کامل نسبت به امور حقوقی و روند دادرسی در ایران
۲. آگاهی از کسب و کارهای اینترنتی

بر این اساس در این بخش ابتدا توصیف اجمالی از نظام قضایی ایران و نحوه رسیدگی به پرونده‌های قضایی کیفری و حقوقی ارائه می‌گردد تا آشنایی کافی با امور قضایی در ایران فراهم شود و سپس خدماتی که این کسب و کار می‌تواند ارائه نماید تشریح می‌شود.

آشنایی با نظام قضایی ایران و نحوه دادرسی

آشنایی با تشکیلات قوه قضاییه

بموجب ماده واحده اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۸۱/۷/۲۸ در هر حوزه قضائی و یا دادگستری، دادگاه هائی به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و شکایت با صلاحیت اختصاصی تشکیل گردیده که در معیت دادگاه هائی جزائی، واحد یا سازمانی بنام دادسرا انجام وظیفه می‌نماید.

▪ دادسرا و وظائف آن:

در هر دادگستری و حوزه قضائی هر شهرستان یک دادسرا تشکیل می‌شود که در معیت دادگاه‌های عمومی جزائی انجام وظیفه می‌کند و عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی و اعلام جرم از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و نیز رسیدگی به امور حسبی بر اساس مقررات قانونی می‌باشد که به ریاست دادستان اداره و به تعداد لازم دارای معاون، دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری می‌باشد و در جرائمی که جنبه خصوصی دارد دادسرا با شکایت شاکی خصوصی شروع به تعقیب و تحقق می‌نماید لازم به ذکر است که در حوزه قضائی بخش (دادگاه بخش) وظیفه دادستان را دادرسی علی‌البدل بر عهده دارد.

در نظام قضائی کنونی جمهوری اسلامی ایران همانطوری که گفته شد برای قضات دادرسی‌ها عناوین و مشاغل قضائی پیش‌بینی شده است که به اختصار توضیح داده می‌شود.

۱- دادستان: دادستان یا مدعی‌العموم صاحب منصبی است که برای حفظ حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری مجرمین و بزهکاران مطابق قوانین جاریه انجام وظیفه می‌نماید و ریاست دادسرا را نیز عهده‌دار می‌باشد.

وظایف دادستان

بر اساس قوانین و مقررات حاکم دادستان در حوزه قضائی مربوط دارای وظایف و تکالیف بسیاری است که در اینجا به چند مورد از وظایف مهم دادستان اشاره می‌نمائیم:

- الف) کشف جرم و شروع به تعقیب کیفری بزهکاران و مجرمین
- ب) اعلام جرم در مواردی که جنبه حق الهی و عمومی دارد
- ج) نظارت بر انجام تحقیقات مقدماتی و دادن تعلیمات لازم به بازپرس
- د) موافقت یا عدم موافقت با قرارهای صادره از ناحیه دادیار یا بازپرس
- ذ) ضبط وثیقه و اخذ وجه التزام و وصول وجه الکفاله
- س) اجرای احکام کیفری و جزائی
- ش) پیشنهاد آزادی مشروط
- ص) لغو تعلیق اجرای حکم
- ض) ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند.

۲- معاون دادستان: معاون دادستان صاحب منصبی است که تحت نظارت دادستان قسمتی از وظایف دادسرا را انجام داده و در غیاب دادستان به جانشینی او عمل می‌کند.

۳- دادیار: صاحب منصبی است که به نمایندگی از طرف دادستان انجام وظیفه می‌نماید و معمولاً در جرائم غیر مهمه اقدام به انجام تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم می‌نماید.

۴- بازپرس: بازپرس یا مستنطق صاحب منصبی است که تحقیقات مقدماتی جرائم مهمه و جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم بر عهده او می‌باشد و تحت نظارت دادستان وظایف قانونی خود را انجام می‌دهد.

دادیار و بازپرس پس از ارجاع پرونده از سوی دادستان یا معاون او نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری دلایل اقدام و در نهایت مبادرت بصدور یکی از قرارهای نهائی (قرار موقوفی تعقیب، قرار منع تعقیب، قرار مجرمیت) می‌نماید قرارهای مذکور جهت اظهارنظر (موافقت یا عدم موافقت) نزد دادستان یا معاون او یا دادیار با اظهار نظر ارسال می‌گردد چنانچه قرارهای صادره به درستی صادر گردیده، دادستان یا معاون ایشان مراتب موافقت خود را اعلام و چنانچه از نظر ایشان قرارهای صادره صحیح نبوده باشد مراتب عدم موافقت خود را اعلام می‌دارد در این صورت (در صورت عدم موافقت دادستان) چنانچه قرار صادره از سوی دادیار صادر شده باشد دادیار مکلف به تبعیت از نظر دادستان بوده لکن چنانچه قرار مزبور از سوی بازپرس صادر شده باشد و بین ایشان و دادستان توافق عقیده نباشد مثلاً یکی عقیده به مجرمیت و دیگری عقیده به منع تعقیب داشته باشد و هر کدام بر نظر

خویش اصرار ورزند حل اختلاف حسب مورد به توسط دادگاه عمومی و انقلاب محل به عمل می‌آید و تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است.

▪ قرارهای نهائی که توسط قضات دادرسی صادر می‌شود.

- قرار موقوفی تعقیب: مطابق ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد زیر اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌گردد.

الف) فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات‌های شخصی

ب) گذشت شاکی با مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

ج) مشمولان عفو

د) نسخ مجازات قانونی

س) اعتبار امر مختومه

ش) مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده

۲- قرار منع تعقیب: هرگاه با انجام تحقیقات مقدماتی اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی جرم نباشد در این صورت قرار منع تعقیب صادر خواهد شد.

۳- قرار مجرمیت: هرگاه با انجام تحقیقات دلایل کافی بر توجه به اتهام متهم جمع‌آوری گردد قرار مجرمیت درباره متهم صادر خواهد شد. یادآوری

می‌شود هرگاه دادستان یا معاون وی با قرارهای مقوقی تعقیب یا منع تعقیب موافقت نمایند دستور ابلاغ و بایگانی شدن آن صادر و در صورتی که قرار صادره مجرمیت باشد و مورد موافقت دادستان قرار گیرد اقدام به صدور کیفر خواست گردیده و پرونده به پیوست کیفر خواست مزبور جهت رسیدگی در مقام دادرسی نزد ریاست دادگستری ارسال تا با ارجاع به یکی از شعب دادگاه‌های عمومی جزائی مورد رسیدگی و دادرسی قرار گیرد. یادآور می‌شود که علاوه بر دادرسی عمومی و انقلاب، دادرسی محاکم اختصاصی وجود دارد که در معیت دادگاه‌های اختصاصی انجام وظیفه می‌نماید و نسبت به کشف و تعقیب جرائم خاص اقدام می‌نماید مانند:

- ۱- دادرسی نظامی که به جرائم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، سپاه و غیره مطابق قانون رسیدگی و اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نماید.
- ۲- دادرسی ویژه روحانیت که به جرائم ارتكابی از ناحیه روحانیون و طلاب رسیدگی و تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد.

▪ دادگاه‌های بدوی یا تالی:

در نظام قضائی کنونی، دادگاه‌های بدوی به عمومی جزائی و عمومی حقوقی تقسیم که حدود صلاحیت هر کدام در قانون مشخص و معین گردیده است.

الف) دادگاه عمومی جزائی:

این دادگاه ها که دادسرا در معیت آنها انجام وظیفه می نماید به کلیه جرائم و امور کیفری رسیدگی نموده و اقدام به صدور حکم قانونی می نماید به جز آن دسته از جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رحم یا صلی یا اعدام یا حبس ابد باشد و همچنین جرائم مطبوعاتی و سیاسی، نتیجه این که چنانچه مجازات جرمی غیر از موارد فوق الذکر باشد و نیز از جمله جرائم مطبوعاتی و سیاسی نباشد رسیدگی به آن جرم در حدود صلاحیت دادگاه های عمومی جزائی است. دادگاه های عمومی جزائی در هر دادگستری بر حسب نیاز و ضرورت می تواند به شعب متعدد تشکیل گردد و هر شعبه دادگاه با رئیس یا دادرس اداره گردیده و ممکن است در هر شعبه یک رئیس شعبه و یک دادرس انجام وظیفه نموده و اقدام به رسیدگی و صدور حکم نماید. لازم به ذکر است در دادگاه های عمومی جزائی پرونده به همراه کیفرخواست (ادعانامه) که از سوی دادستان تهیه و تنظیم گردیده مطرح و مورد رسیدگی و در نهایت منتهی به صدور حکم محکومیت با براءت می گردد. به علاوه چنانچه نسبت قرارهای منع تعقیب یا موقوفی تعقیب و نیز قرار بازداشت موقت صادره از سوی دادستان، بازپرس یا دادیار اعتراض شود رسیدگی به این اعتراض توسط دادگاه های عمومی جزائی صورت می پذیرد. در این جا ذکر این نکته لازم است که حسب تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل

دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ با اصلاحات و الحاقات آن مصوب ۱۳۸۸/۷/۲۸ پرونده‌هایی که موضوع آنها جرائم مشمول حد زنا و لواط است، همچنین جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد و نیز جرائم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های ذیصلاح مطرح و رسیدگی می‌شود و به عبارت گویاتر این دسته از جرائم بدون ورود در دادسرا و انجام تحقیقات مقدماتی به توسط قضات دادسرا مستقیماً در دادگاه‌های مربوطه طرح و رسیدگی می‌گردد.

ب) دادگاه‌های عمومی حقوقی:

این دادگاه‌ها که بنا به اقتضا می‌تواند در هر دادگستری دارای شعب متعدد باشد صرفاً به امور حقوقی و مدنی رسیدگی می‌نماید از قبیل دعوی مطالبه، تخلیه، خلع ید، اثبات مالکیت تقسیم ترکه و... ارتباطی با امور کیفری و جرم و جنایت ندارد و با التبع در معیت آن دادسرای انجام وظیفه نمی‌نماید.

▪ دادگاه‌های تجدیدنظر یا عالی:

در مرکز استان حسب نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر تشکیل که مرجع تجدیدنظر آراء قابل تجدیدنظر دادگاه های عمومی و حقوقی و جزائی و انقلاب سراسر استان می‌باشند که بنا به درخواست تجدیدنظرخواه پرونده در دادگاه تجدیدنظر مطرح و مورد بررسی و رسیدگی واقع و در نهایت رأی بدوی را فسخ یا تأیید می‌نماید رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول

دادگاه تجدیدنظر استان نیز می‌باشد و هر شعبه دادگاه تجدیدنظر با سه عضو (یک رئیس و دو مستشار) تشکیل می‌گردد.

آشنایی با فرایند رسیدگی به پرونده‌های قضایی

تشریفات رسیدگی

رسیدگی قضائی در هر جای دنیا تابع تشریفات است که قانون مشخص می‌کند این تشریفات شامل دستورالعمل‌هایی است که نحوه طرح شکایت و یا تقدیم دادخواست و کیفیت اخطار و احضار و شیوه رسیدگی‌های مقدماتی و صدور رای و در نهایت چگونگی اعتراض را معین می‌کند و مراجع قضائی مکلفند در رسیدگی‌های قضائی مطابق آن عمل نمایند. تشریفات مزبور در رسیدگی‌های جزائی را آیین دادرسی کیفری و در رسیدگی‌های حقوقی آیین دادرسی مدنی می‌گویند. آیین دادرسی هر قدر جامع‌تر باشد و به حقوق اجتماعی بیشتر نظر داشته باشد نشانگر سیستم قضائی پویاتر است و عبارتی دیگر اگر بخواهیم با سیستم قضائی کشوری آشنا شویم باید به آیین دادرسی آن نظر کنیم. در کشور ما آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۲۹۰ تصویب شده بود تا سال ۱۳۷۸ اجرا می‌شد یعنی بمدت ۸۸ سال مورد استفاده مراجع قضائی بود و در سال ۱۳۷۸ به جهت اینکه نیاز به اصلاحات داشت و از طرف دیگر تشکیلات دادگستری تغییر کرده و دادرها منحل شده بود به

کلی تغییر کرد و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امر کیفری تصویب شد و آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ نسخ گردید. متعاقب آن آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ دچار تغییر شد و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امر مدنی مصوب ۱۳۷۹ جایگزین آن شد.

تفاوت دادرسی و دادگاه

دادرسا حوزه طرح شکایات اولیه است در دادرسی تنها شکایاتی که جنبه کیفری و جزائی دارد مطرح می‌شود. وظیفه دادرسی جمع‌آوری دلائل و تحقیق و بازجویی و کشف جرم است و درحقیقت می‌توان گفت پرونده‌های کیفری ابتدا در دادرسی تشکیل می‌گردد. پس از شنیدن شکایات شاکی و ملاحظه دلائل وی از متهم نیز تحقیق و دفاعیات او نیز شنیده می‌شود اگر آقای دادستان که رئیس دادرسی است دلائل شاکی را کافی دانست علیه متهم ادعای مجرمیت می‌کند یعنی ادعا نامه‌ای را که نام آن کیفرخواست است تنظیم می‌کند و به دادگاه می‌فرستند تا در آنجا محاکمه و سپس حکم مقتضی صادر گردد. البته گاهی در جامعه جرمی اتفاق می‌افتد که شاکی ندارد اگر جرم جنبه عمومی داشته باشد شخص دادستان می‌تواند بعنوان مدعی‌العموم تحقیق و بررسی را شروع کند و اگر نتیجه آن توجه اتهام به شخص خاصی بود علیه او کیفرخواست صادر می‌کند.

نکته دیگر اینکه در دادسرا حکمی صادر نمی‌شود یعنی مرجعی که مجرم را مجازات می‌کند دادسرا نیست، بلکه دادگاه است. اما دادگاه مرجعی است که در خصوص ادعاهای مطروحه تصمیم قضائی می‌گیرد و عبارت دیگر فصل خصومت با دادگاه است. ادعاهایی که در دادگاه مطرح می‌شود یا جنبه جزائی دارد و یا حقوقی. ادعاهای جزائی (کیفری) از طریق دادستان در دادگاه مطرح می‌شود و ادعاهای حقوقی (مدنی) از طرف مدعی مستقیماً با تنظیم فرم مخصوصی در دادگاه طرح می‌گردد. دادسرا در امور حقوقی دخالتی ندارد. قضات دادسرا را قبلاً قضات ایستاده می‌گفتند و قضات دادگاه را قضات نشسته، منظور از قضات ایستاده این است که آنها همیشه پای کارند وقت و زمان خاصی را برای انجام وظیفه نمی‌شناسند و منظور از قضات نشسته آن است که بر کرسی قضاوت نشسته و آماده دریافت پرونده جهت صدور رای هستند.

قضات دادسرا را دادستان، بازپرس و دادیار تشکیل می‌دهند. دادستان رئیس دادسرا است و دادسرا بخشی از دادگستری هر حوزه قضائی می‌باشد.

دادسرای عمومی و انقلاب

قبلاً داسرای عمومی جدا از دادسرای انقلاب بود و صلاحیت رسیدگی هر کدام جدا گانه مشخص شده بود و در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادسراها منحل شده و شکایات مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌گردید اما بعد از گذشت یک دهه از اجرای این قانون به این نتیجه رسیدند که انحلال دادسراها صحیح نبوده است لذا با تقدیم لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی قانون مزبور اصلاح گردید و دوباره دادسراها تشکیل شد. اما این بار داسرای عمومی و انقلاب نام گرفت. دادستان هر شهرستان رئیس دادسرای عمومی و انقلاب است، هر دادسرا علاوه بر دادستان به تعداد لازم بازپرس و دادیار دارد. مهمترین وظیفه دادسرا رسیدگی‌های اولیه به شکایات کیفری است، دادسرا پرونده را جهت رسیدگی محاکماتی در دادگاه آماده می‌کند، اقدامات دادسرا نقش مهم و سازنده دارد فی‌المثال در خصوص قتل اقدام به موقع بازپرس اعم از حضور در صحنه جرم و تحقیق دقیق و بازجویی از حاضرین در صحنه و جمع‌آوری مدارک جرم می‌تواند برای صدور یک حکم عادلانه کارگشا باشد.

مراحل رسیدگی قضایی

رسیدگی قضایی با شنیدن شکایت شاکی شروع می‌شود. یعنی قاضی دادسرا باید بداند شما از چه کسی شکایت دارید و دلائل شکایت شما چیست. ارائه دلیل بسیار مهم است و وجود دلیل محکم راه رسیدگی را هموار می‌کند و پرونده در مسیر تحقیقات پیچیده نمی‌افتد و زودتر به نتیجه می‌رسد. با وجود دلیل قاضی می‌تواند قرار مناسبی برای متهم صادر کند و پس از گرفتن دفاعیات او سریعاً نظر خود را بدهد اما گاهی شاکی دلیل کافی ندارد و یک سری قرینه‌هایی ارائه می‌دهد که قاضی باید آنها را ارزیابی کند و اگر آن را کافی ندید و در عین حال ظن به مجرمیت متهم دارد تحقیقات بیشتری را از ضابطین قضائی می‌خواهد و دستورات لازم را درمورد کیفیت تحقیق به آنها می‌دهد شاکی می‌تواند مواردی را که برای احراز مجرمیت متهم ضروری می‌داند به قاضی اعلام کند تا در صورت لزوم انجام شود ولی اگر قاضی ظن به مجرمیت متهم نداشت قرار منع تعقیب متهم را صادر می‌کند این قرار قابل اعتراض در دادگاه خواهد بود.

طرح شکایت یا تظلم خواهی

تظلم خواهی در نظام قضایی ایران به دو گونه میسر است:

۱- شکایت کیفری که در این صورت به تظلم خواه، شاکی گفته می‌شود و کسی که از او شکایت شده مشتکی عنه یا متهم نام دارد و آنچه علیه متهم اعلام یا به اونسبت داده می‌شود اسم آن اتهام است. به اموری که در شرع یا قانون مورد امر یا نهی است و تخطی از آن مستوجب مجازات است، جزائی یا کیفری می‌گویند مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، در امور کیفری اگر از کسی شکایت داشته باشید، باید شکایت خود را در نامه‌ای که در اصطلاح حقوقی، شکوائیه و یا عریضه نامیده می‌شود، بنویسید و به دادسرای محل خود تحویل دهید. اگر به دادسرا دسترسی ندارید و امری فوری باشد، می‌توانید به کلانتری نزدیک محل خود رجوع نموده و شکایت نامه خود را تسلیم نمائید.

۲- ادعای حقوقی، درچنین صورتی به تظلم خواه مدعی می‌گویند (یعنی خواهان) و کسی که علیه او ادعائی مطرح شود مدعا علیه نامیده می‌شود (یعنی خواننده) و آنچه را خواهان طلب می‌کند ادعا (یعنی خواسته) نام دارد.

شکایت کیفری

شکایت از شخصی که نسبت به شما ظلمی روا داشته و عمل او طبق قانون جرم تلقی شده و برای آن مجازات تعیین گردیده شکایت کیفری نامیده می‌شود.

شکایت کیفری ابتدا در دادسرا مطرح می‌شود، یعنی باید شکوائیه خطاب به دادستان محل نوشته و مشتکی عنه (کسی که از او شکایت دارید) را با اسم و مشخصات و آدرس معین کنید و مشروح شکایت خود را بنویسید و مدارک و مستندات خود را پیوست شکایت نمائید.

نوشتن شکوائیه شیوه خاصی ندارد و مانند دعاوی حقوقی نیاز به فرم خاصی ندارد اما خوب است شکایت نامه شما منظم و مرتب از حیث جمله‌بندی و خوانا باشد اگر خواستید خودتان شکوائیه را بنویسید ابتدا آن را با نام خدا شروع کنید در گوشه سمت چپ با تاریخ نوشتن شکایت را درج کنید سپس عنوان آن را خطاب به ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب محل خود بنویسید اگر در ناحیه‌ای از تهران هستید عنوان را خطاب به سرپرست دادسرای ناحیه بنویسید (شماره ناحیه را ذکر کنید) و سپس در ابتدای سطر عنوان شاکی را با مشخصات کامل بنویسید و در سطر بعدی عنوان متهم را با مشخصات کامل بنویسید و آنگاه اتهام را ذکر کنید مثلاً اگر اتهام چک بلامحل است آن را ذکر نمائید و سپس از اول سطر متن شکایت خود را

بنویسید، سعی کنید مقصود خود را در عباراتی گویا و خوانا و در عین حال مختصر برسانید لزومی ندارد آن را مفصل بنویسید چون قرار است شما در دادسرا نیز آن را مفصلاً بیان کنید.

مراحل رسیدگی به شکایت کیفری

رسیدگی قضائی در دادگستری چند مرحله دارد (منظور از دادگستری، تشکیلاتی است که احکام قضائی را صادر می‌نماید):

۱. مرحله طرح شکایت و شروع تحقیقات

۲. مرحله رسیدگی ابتدائی دادگاه اولیه

۳. مرحله رسیدگی تجدیدنظر

۴. مرحله اجرای حکم

رسیدگی به دادخواست حقوقی

تقدیم دادخواست

شروع به رسیدگی در دعاوی حقوقی مستلزم تقدیم دادخواست است یعنی اگر ادعائی را می‌خواهید در دادگاه مطرح کنید باید آن را در قالب دادخواست تنظیم کرده و تقدیم دادگاه کنید متن دادخواست را می‌توانید خود بنویسید و یا کس دیگری با املاء شما بنویسد. سعی کنید متن را صحیح و خوانا بنویسید و ترجیحاً آن را تایپ کنید.

دادخواست

دادخواست فرم مخصوصی است که دعاوی حقوقی بوسیله آن در دادگستری مطرح می‌شود بدین معنا که هر کس ادعای حقوقی داشته باشد می‌بایست دعوی خود را در فرم مزبور بنویسد و تقدیم دادگاه نماید.

دادخواست غیر از درخواست است درخواست، خواسته و یا خواهشی است که هر فرد ممکن است از مرجعی داشته باشد در امور حقوقی درخواست همان خواسته‌ای است که خواهان در دادخواست می‌آورد درخواست با تقاضا در معنا مترادف هستند و هر خواهشی را شامل می‌شود.

نکات الزامی در دادخواست

۱. نام و نام خانوادگی خواهان با ذکر نام پدر - سن - اقامتگاه - حتی‌الامکان شغل
۲. نام و نام خانوادگی خوانده با ذکر اقامتگاه و شغل وی
۳. تعیین خواسته و بهای آن
۴. تعهدات و جهاتی که خواهان به موجب آن خود را طلب‌کار می‌داند به طوری که مقصود وی روشن باشد
۵. آنچه را از دادگاه درخواست دارد باید ذکر کند
۶. ذکر ادله‌ای که برای اثبات حق خود دارد
۷. ذیل دادخواست را امضاء نماید یا اثر انگشت بزند

فرم‌های دادخواست را می‌توان از دفتر دادگستری تهیه کرد این فرم‌ها به نحوی چاپ شده که هر کس بخواهد آن را تکمیل کند به راحتی می‌تواند نکات ضروری را در آن بیاورد.

توضیحاتی در مورد دادخواست

نکاتی که در تنظیم دادخواست ضروری است و ذکر کردیم ضرورت آن بنا به آثار و تبعاتی است که دارد که به ترتیب توضیح می‌دهیم.

۱. اگر ارزش خواسته معلوم نباشد اولاً تعیین هزینه دادرسی مقدور نیست

ثانیاً صلاحیت دادگاه مبهم خواهد بود البته اکنون که دادگاه‌های عمومی به هر دعوی ابتدائی رسیدگی می‌کنند این مشکل نخواهد بود ولی در قطعی بودن و یا قابل اعتراض بودن رای موثر است.

۲. اگر جهت طلب شما معلوم نباشد ادعای شما مستند نیست چون باید این

مطلب روشن باشد که مثلاً طلب ناشی از صدور چک خوانده است یا تعهدی که طی قرارداد داده است وقتی جهت روشن شد تکلیف دادگاه روشن می‌شود که در محور چه چیزی بررسی کند.

۳. اگر خواسته خواهان روشن نباشد در این صورت نیز دادگاه در اتخاذ

تصمیم دچار مشکل است فی‌المثل اگر دعوی در خصوص مال غیرمنقول باشد خواهان باید مشخص کند که خلع ید را درخواست دارد

یا تخلیه یا الزام خواننده به انتقال سند را مشخص شدن هر یک از این خواسته‌ها در تصمیم‌گیری دادگاه مؤثر است بدین معنا که هر یک از خواسته‌های خلع ید و تخلیه اشاره به یک اقدام خاصی از طرف خواننده است وقتی شما خوانسته را خلع ید می‌نویسید معنایش این است که خواننده بدون اجازه ملک مورد نظر را متصرف شده وقتی خوانسته را تخلیه می‌نویسید معنایش این است که تصرف بدون اجازه نبوده ولی اکنون به جهت قانونی می‌خواهید ملک را از تصرف خواننده که از تحویل آن استنکاف دارد خارج کنید.

۴. اگر دلائل خواسته معلوم نباشد اثبات ادعا میسر نخواهد بود زیرا هر ادعائی مستلزم ارائه مدارک و مستندات است مگر اینکه خواننده صراحتاً ادعای شما را قبول داشته باشد که این امر کمتر اتفاق می‌افتد لذا خواهان باید برای اثبات ادعای خود دلائلش را در ستون مخصوص دادخواست ذکر کند البته ممکن است بعضی از دلائل اکتسابی باشد یعنی در جریان رسیدگی بدست آید مانند این که موضوع مورد ادعا با انجام کارشناسی یا شهادت شهود یا معاینه و تحقیق محلی روشن می‌شود در این صورت اگر خواهان انجام موارد مذکور را خواستار باشد باید در متن دادخواست تقاضا نماید.

تقدیم دادخواست به دادگاه‌های کیفری

فرم دادخواست برای دعاوی حقوقی و مالی است و معمولاً به دادگاه‌های حقوقی تقدیم می‌گردد اما گاهی ممکن است یک امر کیفری با شکایت شما در دادگاه کیفری مطرح باشد که جنبه مالی هم داشته باشد مثلاً علیه کسی شکایت خیانت در امانت مطرح کرده‌اید و پرونده در دادگاه کیفری در حال رسیدگی است چون دادگاه کیفری صرفاً به آنچه شما شکایت کرده‌اید رسیدگی می‌کند و کاری به جنبه مالی ندارد قانونگذار اجازه داده برای تسهیل کار و اینکه شما زودتر به حق خود برسید دعوی مالی مرتبط با همان شکایت را در همان دادگاه کیفری با تقدیم دادخواست مطرح کنید در چنین مواردی دادگاه کیفری پس از رسیدگی به امر کیفری در صورتی که جرم را ثابت دانست و متهم را به مجازات محکوم کرد به امر حقوقی ادعائی شما رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد کرد.

تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری

دادخواست دیوان عدالت اداری برگه‌ای چاپی است که می‌توان آن را از بایچه‌ها و ادارات پست در سراسر کشور خریداری نمود. (۱) قیمت هر برگه آن ۲۵۰ ریال است. در قسمت فوقانی آن جدولی دارد که عناوین خانه‌های آن مشخص است و خانه‌های جدول بایستی بدقت و با خط خوانا و بدون قلم

خوردگی پر شود. نام و نام‌خانوادگی و مشخصات فردی واضح نوشته شود. در قسمت اقامتگاه حتماً بایستی نشانی روشن و آشکار نوشته شده نام شهر - میدان - خیابان - کوچه و شماره پلاک منزل ذکر گردد. شماره پلاک منزل یا نمره کاشی باید دقیق باشد بطوریکه بین اعدادی مثل ۲ و ۳ یا ۰ و ۵ یا ۴ و ۶ اشتباه نشود.

مشخصات طرف شکایت و نام دستگاه یا اداره بایستی دقیق باشد و نکته بسیار مهم دیگر ستون و یا رده‌ای است که موضوع شکایت و خواسته در آن نوشته می‌شود باید سعی نمود که موضوع شکایت و خواسته بسیار واضح و صریح و آشکارا و در عین حال کوتاه نوشته شود بصورتیکه خواننده براحتی مقصود ما را از تحریر خواسته دریابد بخاطر داشته باشید که برگه دادخواست پس از تنظیم توسط افراد متعددی مورد بررسی قرار می‌گیرد مثل کارکنان دبیرخانه - متصدیان امور دفتری دادگاه، قضات شعب - مأموران نیروی انتظامی - مأموران پست و هر کدام به فراخور وظایف خود اقداماتی روی آن انجام میدهند از این رو صراحت و تمیزی و روشن بودن نوشته‌ها در تسریع کار شما بسیار موثر و مفید است.

شرح شکایت و دلایل مستندات را در متن دادخواست که با خطوط نقطه چین مشخص شده بایستی نوشت. از نوشتن مفصل و طولانی حتماً اجتناب نمایید. کوشش کنید که مطالب چکیده و کوتاه و رساننده منظور و مقصود

شما از شکایت باشد بطوریکه خواننده مطلب را براحتی بگیرد و اظهارات شما اجمال و ابهام نداشته باشد در اینجا مجدداً توصیه می‌شود که اگر متن دادخواست را بادت می‌نویسید حتماً نوشته شما تمیز و عاری از خط خوردگی و غلط باشد اگر نیاز هست که از لغتی و کلمه‌ای استفاده نمائید که احیاناً املاء یا معنای آن را نمیدانید به کتاب مراجعه کنید یا از اشخاص مطلع بپرسید و چنانچه مایل هستید که مطالب مندرج در دادخواست خود را تایپ نمائید ضروری است که پس از تایپ شدن مجدداً متن دادخواست و نوشته خود را بخوانید و اگر کلمه‌ای نادرست ماشین شده آن را تصحیح نمائید.

در انتها شکایت کننده بایستی امضاء نماید یا انگشت بزند (۱) امضاء یا اثر انگشت شاکی یا نماینده قانونی او بایستی بوسیله دفتر شعب دیوان یا دفتر یکی از دادگاه‌ها یا دفتر اسناد رسمی یا شورای محلی یا یکی از ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی و درمورد کسانی که در خارج از ایران هستند توسط مأمورین کنسولی دولت جمهوری اسلامی ایران گواهی شود.

مستندات تصویر و فتوکپی مدارک هم بایستی بنحوی تهیه و تصویر برداری شود که روشن و خوانا باشد و چشم کسانی که بعداً بایستی پرونده را بررسی و روی آن تصمیم‌گیری کنند آزار ندهد و مطلب براحتی قابل برداشت باشد. تمام مستندات بایستی برابر اصل شود.

رسیدگی در دادگاه

احقاق حق یا فصل خصومت

تا وقتی مراجعه‌ای به دستگاه قضایی نشده دادگاه‌ها وظیفه‌ای در قبال طرفین دعوی ندارند ولی آنگاه که دعوی در دادگاه‌ها مطرح شد دادگاه شرعاً و قانوناً مکلف است تکلیف موضوع مطرح شده را معلوم کند و به هیچ وجه حق ندارد از زیربار مسئولیت آن شانه خالی کند مگر جایی که بموجب قانون مرجع دیگری برای رسیدگی تعیین شده باشد وظیفه اولی قاضی دادگاه احقاق حق است یعنی باید تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت بکار بندد اگر لازم باشد کارشناس تعیین کند یا از شهود قضیه تحقیق نماید یا عندالزوم به محل برود و معاینه محلی انجام دهد یا از طریق دیگری که او را برای آگاهی از واقع کمک میکند طی کند. گاهی با تمام تلاشی که قاضی میکند کشف حقیقت نمیشود لذا موظف است بر حسب اوضاع و احوال ظاهری و مستندات و مدارک موجود قضیه را فیصله دهد **روش اولی را احقاق حق و روش دومی را فصل خصومت میگویند.**

تامین دلیل چیست؟

اگر بخواهیم جمله تامین دلیل را در عبارت کوتاهی بیان کنیم باید بگوییم تامین دلیل یعنی نگهداری آثار و دلائلی که در آینده به کار می‌آید

مثلاً شما می‌خواهید دیوار منزل خود را که بر اثر عملکرد ناصحیح همسایه تخریب شده یا رطوبت دیده به فوریت تعمیر کنید و چون ممکن است بعد از تعمیر همسایه شما که سبب خسارت شده منکر آن شود و شما دلیلی برای اثبات خسارت نداشته باشید قبل از اقدام به تعمیر با تقدیم دادخواستی از مراجع قضایی می‌خواهید با تعیین کارشناس از محل بازدید و آثار موجود را صورتجلسه نماید تا بعداً بتوانید از آن بعنوان دلیل استفاده کنید. تامین دلیل در بسیاری از عملکردهای ما وجود دارد اما به دید این اصطلاح حقوقی به آن نگاه نمی‌کنیم در مثال نگهداری قبوض عملیات بانکی و یا حفظ قبض پرداخت شده آب، برق، گاز، تلفن و... خود نوعی تامین دلیل است که اگر اختلافی پیش آمد با ارائه آن ادعای خود را اثبات نمائید.

انواع دادگاه‌ها

دادگاه‌ها از جهت رتبه به دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر تقسیم می‌شوند (منظور از دادگاه بدوی دادگاه نخستین است که گاهی به آن دادگاه ابتدائی هم گفته میشود) و نیز دادگاه‌ها از نظر صلاحیت رسیدگی به دادگاه‌های جزائی یا کیفری و دادگاه‌های حقوقی تقسیم می‌شوند البته دادگاه‌های نظامی و دادگاه‌های انقلاب از زمره دادگاه‌های جزائی است اما جزائی خاص که صلاحیت آن با صلاحیت سایر دادگاه‌های جزائی فرق دارد و نیز دادگاه‌های

خانواده نوعی از دادگاه‌های حقوقی هستند، اما حقوقی خاص (یا مدنی خاص) که صلاحیت رسیدگی آن با سایر دادگاه‌های حقوقی فرق دارد. به دادگاه‌های جزائی و حقوقی و خانواده دادگاه‌های عمومی گفته می‌شود و دادگاه‌های انقلاب و نظامی به جهت اینکه به موارد خاصی از جرائم رسیدگی می‌نمایند دادگاه‌های خاص هستند. دادگاه‌های تجدیدنظر نیز از زمره دادگاه‌های عمومی هستند که بعنوان مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه‌های بدوی تشکیل گردیده‌اند.

تفاوت ادعای حقوقی و ادعای کیفری

هرگاه آنچه را مدعی مطرح می‌کند ثبوت آن مستلزم تعیین مجازات برای مرتکب جرم باشد به آن ادعای کیفری و یا جزائی می‌گویند مثل اینکه مدعی گردد فلانی مال من را سرقت کرده و یا مورد خیانت قرار داده است ولی اگر آنچه را مدعی مطرح کرده مطالبه حقی باشد که در صورت ثبوت طرف دعوی به استرداد حق اجبار می‌شود و به آن دعوی ادعای حقوقی می‌گویند. به کسی که ادعای کیفری دارد اصطلاحاً شاکی و به کسی که ادعای حقوقی دارد خواهان گفته می‌شود کما اینکه به کسی که جرمی به او نسبت داده شده در ابتدا متهم و پس از ثبوت، مجرم و به کسی که ادعای حقوقی علیه او طرح شده خواننده می‌گویند.

دادخواست چیست و کیفرخواست کدام است؟

دادخواست و کیفرخواست هر دو ادعانامه هستند دادخواست ادعانامه حقوقی است و کیفرخواست ادعا نامه کیفری است، دادخواست را هر کسی که خواسته حقوقی دارد تنظیم و به دادگاه تسلیم می کند ولی کیفرخواست را فقط دادستان تنظیم و به دادگاه تقدیم می کند در دادخواست شرح آنچه مدعی حقوقی مطالبه دارد می نویسد و خواسته خود را تشریح می کند ولی در کیفرخواست شرح آنچه را متهم مرتکب شده توسط دادستان ذکر و درخواست مجازات او می گردد.

رسیدگی در دادگاه

دادگاه ها دو نوع هستند نوع اول به امور کیفری رسیدگی می کنند و نوع دیگر به امور حقوقی شروع رسیدگی در دادگاه کیفری به موجب کیفرخواستی است که دادسرا صادر کرده است با وصول پرونده از دادسرا دفتر دادگاه بدستور رئیس دادگاه تعیین وقت می کند و طرفین را برای رسیدگی احضار می کند، نسخه ای از کیفرخواست باید به ضمیمه احضاریه متهم باشد تا او بداند چه اتهامی به وی نسبت داده شده و به چه ماده قانونی علیه وی در خواست مجازات گردیده و بتواند در فرصت مناسب دفاعیات خود را آماده کند.

متهم با وصول احضاریه می‌تواند برای خود وکیل انتخاب کند تا در دادگاه حاضر و از او دفاع کند البته تعیین وکیل مانع از آن نیست که دادگاه نتواند شخص متهم را جهت اخذ توضیح احضار کند بخصوص که او باید خود آخرین دفاع خود را بنماید.

کسی که برای محاکمه به دادگاه احضار شده است بهتر است دفاعیات خود را قبلاً مکتوب کند و هنگام حضور در دادگاه تقدیم دادگاه نماید این کار این نفع را دارد که اگر بعضی مطالب را در دادگاه فراموش کرد دفاعیات مکتوب او در پرونده موجود خواهد بود مضافاً این که پرونده در مراجع تجدیدنظر مطرح می‌شود و مطالب مکتوب ممکن است مفید واقع شود.

تصمیم دادگاه

اگرچه در دادسرا تحقیقات لازم انجام شده و متهم مجرم شناخته شده است و دادستان به موجب کیفرخواست مجازات او را درخواست می‌نماید اما در عین حال دادگاه رسیدگی خاص خود را دارد و ممکن است تحقیقات بیشتری را لازم بدانند.

دادگاه اگر تحقیقات دیگری را لازم دانست به دو گونه می‌تواند عمل کند یا خود به رسیدگی ادامه داده و تحقیقات را کامل می‌کند و یا تکمیل پرونده را از دادسرا بخواهد در این صورت دادسرا طبق نظر دادگاه عمل می‌کند و

سپس پرونده را به دادگاه عودت می‌دهد دادگاه پس از رسیدگی‌های لازم و گرفتن دفاعیات و نیز آخرین دفاع متهم با اعلام ختم دادرسی رای خود را صادر می‌کند دادگاه از تاریخ اعلام ختم دادرسی قانوناً یک هفته فرصت صدور رای دارد رای دادگاه باید مستدل و مستند باشد. مستدل یعنی اینکه تمام آنچه را دلیل وقوع جرم می‌داد در متن حکم خود بیاورد و مستند یعنی این که عمل متهم را منطبق با کدام ماده قانونی می‌داند زیرا هیچکس را نمی‌توان از بابت ارتکاب عملی که قانونگذار جرم ندانسته و یا در شرع برای آن مجازات تعیین نشده مجازات کرد.

انواع تصمیمات قضائی

تصمیمات قضائی چند نوع است که عبارتند از

۱. حکم = هر گاه دادگاه با تصمیم خود قضیه‌ای را فیصله داد و یا دعوائی را حل و فصل نماید یعنی آن را ختم کند، تصمیم او حکم نام دارد.
 ۲. قرار = هرگاه قاضی در مورد موضوعی تصمیمی بگیرد که قاطع دعوی نباشد یعنی طرفین باز هم بتوانند به نوعی درباره آن موضوع دعوائی مطرح کنند نام آن تصمیم قرار خواهد بود.
- این نکته هم قابل ذکر است که قرارها نیز متفاوت است گاهی قرار در ضمن رسیدگی اتخاذ می‌شود مانند قرار کارسناسی و یا قرار تامین و

امثال آن که به آن قراردادهای اعدادی گفته می‌شود این نوع قرارها قابل عدول هستند. گاهی هم قرار به صورت رای و نظر است این نوع قرارها قابل عدول نیستند مانند قرار رد دعوی در مسائل حقوقی و یا قرار منع پیگرد در مسائل کیفری.

۳. دستور قضائی = گاهی تصمیم قاضی به صورت دستور است مانند دستور تخلیه و یا دستور ضبط وثیقه.

اشکال تصمیمات قضائی

تصمیمات قضائی چه آنچه در دادسرا اتخاذ می‌شود و چه آنچه در دادگاه معمول می‌گردد اشکال مختلفی دارد گاهی در قالب حکم است و گاهی در قالب قرار و گاهی هم به صورت دستور انشاء می‌شود به تصمیمات قضائی دادنامه و یا رای نیز گفته می‌شود دادنامه از آن جهت اطلاق می‌شود که یک تصمیم کلاسیک دارای شماره و تاریخ است و برای طرفین پرونده ارسال می‌گردد و اگر به تصمیم قضائی رای گفته می‌شود برای این است که قاضی به موجب آن نظر قضائی خود را ابراز و اعلام نموده است.

اعتراض و تجدیدنظر خواهی

صاحب حق همیشه از دادگاه انتظار دارد که حکم عادلانه و مطابق حق صادر نماید این انتظار درستی است. در مقابل، قاضی دادگاه نیز شرعاً و

قانوناً موظف و متعهد است که برخلاف حق حکمی صادر ننماید البته مشروط بر این که حق معلوم باشد و یا دلائل کافی ارائه شده باشد ولی گاهی می‌شود که ذی‌حق توان ارائه دلیل کافی ندارد و حق و ناحق درهم آمیخته و تفکیک آن ممکن نیست اینجاست که قاضی باید تلاش خود را در جهت کشف حقیقت مبذول دارد و در نهایت به هر نتیجه‌ای رسید حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه این که نتوانستم کشف حقیقت کنم از صدور حکم امتناع نماید زیرا وظیفه او فصل خصومت است یعنی بهر حال باید تکلیف موضوع را معلوم کند لذا اقدام به صدور حکم می‌کند این حکم گاهی ممکن است با حق منطبق نباشد البته نه از آن جهت که قاضی خواسته بناحق حکم دهد بلکه از آن جهت که از بررسی‌های او همین نتیجه بدست آمده است لذا ذی‌حق که حکم صادره را منافی حق خود می‌داند نسبت به آن اعتراض می‌کند در مرجع تجدیدنظر ممکن است استنباط چیز دیگری باشد و یا بررسی دیگری را لازم بداند و در نتیجه حکم را صحیح نداند و نقض کند و رای دیگری صادر کند و یا این که به همان نتیجه‌ای برسد که دادگاه نخستین رسیده است و لذا رای ابتدائی را تایید کند اینجا است که حکم قطعی می‌شود حال سوال این است که اگر این حکم قطعی با شرع و حق منطبق نبود چه راه‌حلی برای جلوگیری از آن وجود دارد. **پاسخ** اینست که به دو صورت امکان اقدام هست **اول درخواست اعاده دادرسی**

عادی و دوم درخواست رسیدگی فوق‌العاده. هر یک از این دو طریق مقررات و شرایط خاصی دارد که بارعایت آن امکان رسیدگی خواهد بود.

تفاوت اعتراض و نارضایتی

اعتراض اعلام نارضایتی است نسبت به هر تصمیم یا اقدام که علیه معترض صورت گرفته است و معنای آن نسبت به معنای تجدیدنظر خواهی عمومیت دارد بدین صورت که تجدیدنظر خواهی در مورد احکام دادگاه‌ها گفته می‌شود ولی اعتراض در مورد هر اقدام و تصمیم، چه از ناحیه مراجع قضائی باشد یا غیر قضائی این اعلام نارضایتی ممکن است نسبت به قرار دادسرا باشد یا رای دادگاه ممکن است به تصمیم اداره ثبت باشد یا اقدام شهرداری یا جریمه راهنمایی و رانندگی کسی که نارضایتی خود را اعلام می‌کند به او معترض می‌گویند اعتراض بحکم دادگاه اگر همراه با درخواست رسیدگی مجدد باشد به آن تجدیدنظر خواهی گفته می‌شود.

مراجع تجدیدنظر

طبق مقررات حاکم در مرکز هر استانی دادگاه‌هائی تحت عنوان دادگاه‌های تجدیدنظر تشکیل است که نسبت به اعتراض‌های وارده رسیدگی می‌کنند بنابراین مرجع تجدیدنظر آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب هر حوزه

قضائی دادگاه تجدیدنظر همان استان است فقط موارد خاصی هست که مرجع تجدیدنظر آن دیوان عالی کشور است.

تقدیم اعتراض و تجدیدنظر خواهی

کسانی که طبق قانون حق اعتراض دارند نمی‌توانند خود مرجع تجدیدنظر را انتخاب کنند مثلاً کسی نمی‌تواند درخواست رسیدگی به اعتراض در دیوان عالی کشور باشد در حالی که قانوناً مرجع آن دیوان نباشد یا اینکه درخواست داشته باشد شعبه خاصی از دادگاه‌های تجدیدنظر به اعتراض وی رسیدگی کند بلکه او باید درخواست خود را به همان دادگاهی که حکم اولیه را صادر کرده است تسلیم کند و دادگاه است که وظیفه دارد اعتراض را به همراه پرونده به مرجع صلاحیت دار ارسال کند رای مرجع تجدیدنظر قطعی است مگر در چند مورد که قابل فرجام است یا اینکه رسیدگی فوق‌العاده را بخواهد و آن شرایط خاص خود را دارد.

آراء قابل تجدیدنظر

احکام کیفری که طبق قانون قابل اعتراض است عبارتند از:

۱. جرائمی که مجازات آن اعدام یا رجم است.
۲. جرائمی که به موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس باشد.
۳. ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال.

۴. جرائمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از خمس دیه کامل است.

۵. جرائمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال باشد.

۶. محکومیت‌های انفصال از خدمت.

در موارد فوق اگر رای برائت صادر شود شاکی حق اعتراض خواهد داشت مرجع بعض موارد فوق دیوان عالی کشور است.

اعتراض به تصمیمات دادسرا و دادگاه

شما می‌توانید نسبت به قرار دادسرا در صورتی که مبتنی بر رد شکایت شما بود اعتراض کنید و اعتراض در دادگاه رسیدگی می‌شود اگر مورد قبول واقع شد پرونده برای ادامه رسیدگی به دادسرا برگشت داده می‌شود و اگر قرار دادگاه را تایید کرد این رای قطعی است.

دادگاه نیز اگر پس از رسیدگی‌های انجام شده شکایت شما را نپذیرفت و متهم را بیگناه دانست و او را تبرئه کرد شما می‌توانید اعتراض کنید و اعتراض شما در دادگاه تجدیدنظر رسیدگی خواهد شد همچنین رای دادگاه نسبت به کسی که مجرم شناخته شود و به مجازات محکوم گردد قابل اعتراض است مرجع رسیدگی به این اعتراض نیز دادگاه تجدیدنظر است.

اعاده دادرسی چیست؟

اعاده دادرسی گرچه درخواست رسیدگی مجدد است اما اصطلاحی است که به نوعی از درخواست‌های رسیدگی فوق‌العاده از احکام قطعی و لازم الاجراء اطلاق می‌شود بدین معنا که به هر درخواست رسیدگی مجددی در خواست اعاده دادرسی گفته نمی‌شود بلکه به درخواست‌های رسیدگی مجدد از احکام غیر قطعی تجدیدنظر خواهی می‌گویند به تعبیر دیگر درخواست اعاده دادرسی یک نوع درخواست رسیدگی فوق‌العاده است که با فراهم بودن شرایط آن امکان طرح خواهد بود.

درخواست اعاده دادرسی

احکامی را که درخواست اعاده دادرسی آن را دارید دو دسته هستند.

۱. احکام قطعی کیفری.
۲. احکام قطعی حقوقی.

اگر حکمی که نسبت به آن درخواست اعاده دادرسی دارید کیفری است (یعنی به موجب آن به مجازاتی محکوم شده‌اید) درخواست اعاده دادرسی را بنحوی که اشاره کردیم تنظیم نموده و به همراه دلایل خود به دیوان عالی کشور تسلیم نمائید نوشتن این درخواست تشریفات خاصی ندارد و خود می‌توانید آن را بنویسید، مهم این است که بتوانید جهت درخواست خود را مشخص کنید

و مستدل بنویسید. شما باید صریحاً ذکر کنید به استناد به کدام یک از جهات هفت گانه که ذکر کردیم درخواست اعاده دادرسی دارید مثلاً ممکن است مدعی شوید محکومیت شما به مجازات به موجب مدرک جعلی بوده است و یا به استناد شهادت دروغ شهود بوده است صرف این ادعا نمی‌تواند موجب درخواست اعاده دادرسی گردد چون یک ادعا بیشتر نیست وقتی می‌توانید درخواست خود را مطرح کنید که به موجب مدرکی این ادعا را ثابت کنید مثل اینکه در دادگاهی با تقدیم دادخواست مدعی جعلی بودن آن مدرک شده باشید و ابطال آن را خواسته باشید و دادگاه پس از رسیدگی‌های معموله ادعای شما را بپذیرد و حکم به ابطال مدرک جعلی بدهد و یا اینکه شما از شهودی که شهادت کذب داده‌اند شکایت کیفری کرده باشید و دادگاه احراز کند که شهادت کذب داده‌اند و آنها را محکوم به مجازات کرده باشد اینجا است که شما مدرک جدیدی بدست آورده‌اید و موجبات اعاده دادرسی از حکم محکومیت خود را فراهم نموده‌اید و قهراً درخواست شما پذیرفته خواهد شد.

تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور به برخی اعتراضات کیفری و حقوقی رسیدگی می‌نماید.

احکام کیفری که در دیوان عالی کشور قابل رسیدگی است عبارت است از:

۱. جرائمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا رجم است.

۲. جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو - قصاص نفس باشد.
۳. جرائمی که مجازات قانونی آنها حبس بیش از ده سال باشد.
۴. مصادره اموال.

در خصوص احکام حقوقی باید گفت که اغلب آن در دادگاه‌های تجدیدنظر قابل رسیدگی است مگر چند مورد که بعد از رای دادگاه‌های تجدیدنظر قابل فرجام‌خواهی در دیوان کشور است.

۱. احکام راجع به اصل نکاح و طلاق.
۲. حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال بیشتر باشد.
۳. احکام راجع به نسب - وقف - حبس - تولیت (منظور از حبس مجازات زندان نیست بلکه مراد حبس منافع مالی است برای مدت معین برای مقصودی معین)

جهات اعاده دادرسی نسبت به احکام کیفری

جهاتی که به موجب آن می‌توان درخواست اعاده دادرسی کرد و طبق آخرین مقررات قانونی هفت مورد است.

۱. در صورتی که کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده، لیکن زنده بودن شخص در آن زمان محرز شود و یا ثابت شود که در حال حیات است.

۲. در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم بگونه‌ای است که نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد.
۳. در صورتی که شخصی به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز بموجب حکمی از مرجع قضائی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره بی‌گناهی یکی از آن دو نفر محکوم احراز شود.
۴. جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است ثابت گردد.
۵. در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه باشد.
۶. در صورتی که به علت اشتباه قاضی کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد.
۷. در صورتی که قانون لاحق (جدید) مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد.

حکم قطعی کدام است؟

حکمی که مراحل رسیدگی خود را طی کرده و دیگر از طریق عادی قابل تجدیدنظر نباشد حکم قطعی گفته می‌شود البته گاهی خود قانون هم بعضی احکام را قطعی اعلام می‌کند. اینگونه احکام نیز قابل تجدیدنظر نیست و اگر اشتباهی در آن باشد باید از طریق رسیدگی فوق‌العاده آن را دنبال کرد فی‌المثل احکام دادگاه نخستین در مورد ضرب و جرح و تعیین دیه تا مقدار یک پنجم دیه کامل در قانون قطعی اعلام شده است و اگر کسی اعتراض هم بکند دادگاه تجدیدنظر اعتراض را نمی‌پذیرد و آن را رد می‌کند لذا در این گونه احکام بجای اینکه درخواست تجدیدنظر شود باید طریق رسیدگی فوق‌العاده پیموده شود یعنی اگر از موارد اعاده دادرسی باشد درخواست خود را با تعیین جهتی که رای را واجد اشکال می‌داند به دیوان عالی کشور تسلیم نماید و یا اگر رای برخلاف مقررات شرعی صادر شده درخواست خود را به مرجعی که قانون تعیین کرده و توضیح آن را دادیم تقدیم کند، دقت کنید اگر درخواست اعاده دادرسی دارید درخواست شما حتماً باید مستند به یکی از جهات اعاده دادرسی باشد.

دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور مرجع عالی قضائی کشور است. وظیفه دیوان عالی کشور نظارت قضائی است.

این نظارت به صورت بررسی آراء صادره از دادگاهها در شعب دیوان عالی کشور و نیز صدور آراء وحدت رویه در هیئت عمومی دیوان عالی کشور اعمال می‌شود.

رسیدگی دیوان عالی کشور رسیدگی فرجامی نامیده می‌شود. فرجام بمعنای انتها و پایان است بنابراین رسیدگی این مرجع عالی رسیدگی نهائی است و آراء صادره در دیوان عالی قطعی و لازم الاجراء و غیر قابل اعتراض است.

رسیدگی دیوانعالی کشور بصورت شکلی است یعنی احکام دادگاهها از نظر انطباق یا عدم انطباق با مقررات شرعی و قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر منطبق با شرع یا قانون تشخیص گردید، تأیید و الا پس از نقض پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه دیگری از دادگاهها جهت رسیدگی ارجاع می‌گردد. همچنین اگر رسیدگی دادگاه را از نظر تحقیقات ناقص تشخیص دادند، رای را نقض و پرونده را جهت تکمیل تحقیقات و صدور رای مجدد به همان دادگاه صادر کننده رای قبلی اعاده می‌دهند.

شعب دیوان عالی کشور اقدام به صدور حکم به صورت ماهیتی نمی‌کنند یعنی به نحوی که در دادگاهها اتخاذ تصمیم می‌شود (مانند محکومیت، براءت، رد دعوی و...)، حکم نمی‌دهند هرچند ممکن است نتیجه نظرات و ارشادات دیوان عالی کشور در دادگاهها منتج به محکومیت یا براءت شود.

چه پرونده‌هایی در دیوان عالی کشور مطرح می‌شود؟

رسیدگی در دیوان عالی کشور تابع مقررات خاصی است و هر پرونده‌ای در دیوان عالی کشور مطرح نمی‌شود و یا رسیدگی در این مرجع تابع خواست اصحاب پرونده نمی‌باشد بلکه شرایط رسیدگی را قانون مشخص می‌کند. دیوان عالی کشور نیز مانند دادگاه‌ها به شعب کیفری و حقوقی تقسیم شده‌اند و پرونده‌های کیفری به شعبه کیفری و پرونده‌های حقوقی به شعبه حقوقی ارجاع می‌شود و گاهی هم ممکن است شعبه دیوان بنا بر ضرورت هم به پرونده‌های کیفری رسیدگی کند و هم حقوقی.

احکام کیفری که در دیوان عالی کشور مطرح می‌شود عبارتند از:

۱. حکم اعدام و بطور کلی هر حکمی مفاد آن سلب حیات انسانی باشد.
۲. حکم قطع عضو (مانند حد سرقت) و قصاص (چه قصاص عضو باشد و چه قصاص نفس).
۳. حکمی که مفاد آن مصادره و یا ضبط اموال باشد.
۴. حکم دادگاه در مورد جرمی که مقدار مجازات آن بیش از ده سال باشد هر چند مقدار حبسی که در حکم آمده کمتر از ده سال باشد مثلاً مجازات جرم آدم ربائی در قانون بیش از ده سال حبس است اگر دادگاهی به جرم یک آدم ربا رسیدگی کرد و پنج سال حبس تعیین کرد اعتراض به چنین حکمی در دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود. و احکام حقوقی

که بعد رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر در دیوان عالی کشور رسیدگی فرجامی می‌شود عبارتند از:

- ♦ حکمی که درباره خواسته‌ای بیش از دو میلیون تومان صادر شده باشد مثلاً شخصی در دادخواستی که تقدیم کرده وجه چکی را که از دو میلیون تومان بیشتر است مطالبه دارد و یا با خواسته اثبات مالکیت ملکی که بیشتر از دو میلیون تومان ارزش دارد دادخواست می‌دهد در چنین مواردی هرگاه دادگاه حکمی صادر کرد مرجع فرجام‌خواهی آن دیوان عالی کشور خواهد بود.
- ♦ احکام راجع به اصل نکاح و اصل طلاق مثلاً زن و مردی در اینکه در محرمیت هستند یا خیر اختلاف دارند زن می‌گوید من همسر او هستم ولی مرد منکر است و یا اینکه مرد می‌گوید زنم را طلاق داده‌ام ولی زن می‌گوید بعد از طلاق رجوع کرده است در این گونه موارد هرگاه دادگاه حکمی صادر کرد اعتراض فرجامی آن دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود.
- ♦ احکامی که در مورد نسب یا حجر و یا وقف و یا ثلث و یا حبس و یا تولیت صادر می‌شود (منظور از حبس نوعی وقف است)

هیات عمومی چیست؟

هیات عمومی یعنی اجتماع قضات دیوان عالی کشور برای اتخاذ تصمیم قضائی که قانون بر عهده آن گذارده وظیفه هیات عمومی دیوان عالی کشور صدور رای درباره موضوعی است که طبق قانون تعیین تکلیف آن بر عهده این هیات است. تشکیل هیات عمومی دو گونه است: گاهی برای صدور رای وحدت رویه است و گاهی برای اظهار نظر درباره رای اصراری دادگاهها است.

در نوع اول (یعنی برای صدور رای وحدت رویه) تمام قضات دیوان عالی کشور اعم از شعب حقوقی و شعب کیفری اجتماع می نمایند و در نوع دوم (یعنی درباره رای اصراری) قضات شعب حقوقی یا شعب کیفری حسب مورد اجتماع می نمایند. در دیوان عدالت اداری نیز هیات عمومی برای ایجاد وحدت رویه تشکیل می گردد.

رای اصراری چیست؟

رای اصراری به آن حکمی گفته می شود که دادگاه علیرغم نظر دیوان عالی کشور صادر نماید به این معنا که مثلاً در مورد اتهامی دادگاه شخصی را مجرم شناخته و حکم به مجازات او می دهد اما پرونده حسب مورد برای

تجدیدنظر به دیوان عالی می‌آید و شعبه دیوان عالی کشور دلائل را برای مجرمیت متهم کافی نمی‌داند و حکم دادگاه را نقض و پرونده را به دادگاه دیگری می‌دهد آن دادگاه نیز بر آنچه دادگاه قبلی نظر داده اصرار می‌ورزد و نظر دیوان عالی کشور را نمی‌پذیرد در امور حقوقی نیز ممکن است وضع مشابه پیش آید و حسب مورد قضات حقوقی یا کیفری دیوان عالی کشور در هیات عمومی تکلیف قضیه را روشن می‌کند اگر رای هیات عمومی در تایید رای شعبه دیوان بود دادگاه باید تصمیمی غیر از تصمیم قبلی بگیرد.

وحدت رویه چیست

گاهی می‌شود که شعبه‌ای از مراجع عالی قضایی در خصوص موضوعی استنباط خاصی از قانون می‌کند و بر اساس استنباط خود حکمی را به استناد ماده قانونی صادر می‌کند در حالی که شعبه دیگری از همان مرجع عالی درباره موضوع مشابه برداشت دیگری را از همان ماده قانونی می‌کند و حکمی را صادر می‌کند که مغایر حکم شعبه قبلی است در حالی که موضوع مطروحه در هر دو شعبه کاملاً مشابه و استناد قانونی هر دو یکی است در چنین مواردی قانونگذار پیش‌بینی کرده است که هیات عمومی دیوان عالی کشور که متشکل از قضات دیوان عالی کشور هستند تشکیل گردد و پس از بحث و گفتگو و بررسی نظر اکثریت حاضر بعنوان یک رای وحدت رویه

اعلام گردد. البته گاهی موضوع مورد بحث جنبه حقوقی دارد و گاهی جنبه کیفری اگر حقوقی باشد تمام قضات شعب حقوقی دیوان عالی کشور هیات عمومی را تشکیل می‌دهند و همین طور است اگر موضوع جنبه کیفری داشته باشد، رئیس هیات عمومی، رئیس دیوان عالی کشور است و هر تصمیمی در هیات عمومی گرفته شد همانند قانون برای تمام مراجع قضایی لازم‌الاتباع خواهد بود به تصمیمی که در هیات عمومی دیوان عالی کشور اتخاذ می‌شود رای وحدت رویه می‌گویند. گاهی هم هیات عمومی دیوان عالی کشور برای تعیین تکلیف رای اصراری دادگاه‌ها تشکیل می‌شود.

تجدید نظر خواهی فوق‌العاده

از آنجایی که که احکام قضایی پس از قطعیت لازم‌الاجراء است و هیچ کس نمی‌تواند مانع از اجراء آن شود و از طرفی این امکان و احتمال وجود دارد که اشتباه شرعی یا قانونی در حکم صادره صورت گرفته باشد لذا همیشه قانونگذار کوشیده راهی برای تجدید نظر در چنین احکامی پیش بینی نماید بویژه بعد از انقلاب اسلامی که احکام صادره لزوماً نباید مغایرت شرعی داشته باشد توجه جدی‌تری به این مطلب شده است لذا مشاهده می‌کنیم در تمام قوانینی که در دوران انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است این نکته مد نظر بوده که حکم غیر شرعی اجراء نشود.

ما به سیر تاریخی این موضوع بعد از انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم:

۱. مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی در سال

۱۳۶۱ با عنوان “اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری”

۲. ماده ۶ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحو رسیدگی آنها

مصوب ۱۳۶۱

۳. ماده ۱۷ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲

۴. ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

کیفری مصوب ۱۳۷۸

۵. ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸

۶. ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب

۱۳۸۱

۷. ماده واحده اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی مصوب ۱۳۸۵

در تمام قوانین فوق‌الذکر برای احکامی که ایراد شرعی دارد تجدیدنظر

پیش‌بینی شده است البته هر قانون ناسخ قانون سابق و مغایر خود است و

اکنون آخرین قانونی که حاکم است و در مورد تجدیدنظر فوق‌العاده از

احکامی که ادعای ایراد دارد بند آخر می‌باشد که معروف به ماده ۱۸ است.

قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

آراء قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث بنحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود.

شیوه درخواست اعمال ماده ۱۸

همانطوری که گفتیم رسیدگی مجدد نسبت به احکام قطعی که ایراد شرعی داشته باشد تنها با تجویز رئیس قوه قضائیه ممکن است و این راه بحکم همین ماده ۱۸ باز شده است البته طبیعی خواهد بود که با گشوده شدن این راه افراد زیادی که حکم قطعی از دادگاه‌ها یا دیوان عالی کشور دارند و آن را به ضرر خود می‌بینند بخواهند از این راه استفاده کنند. استفاده از این زمینه مستلزم آن می‌شود که به رئیس قوه قضائیه مراجعه داشته باشند و درخواست خود را تسلیم نمایند و این کار عملاً غیر مقدور است لذا قانونگذار طریق آن را نیز مشخص کرده است تا اگر کسی مدعی غیر شرعی بودن رأی باشد از آن طریق استفاده نماید البته به صرف اینکه کسی بگوید حکم غیر شرعی است موجب رسیدگی مجدد نمی‌شود لذا باید مرجع خاصی

این ادعاها را بررسی کند و اگر ادعا صحیح بود مراتب به رئیس قوه قضائیه گزارش شود و ایشان هم اگر آن را تایید داشت رسیدگی مجدد را اجازه دهند.

طریقه مراجعه:

احکام صادره که قطعی شده و اکنون ادعای وجود ایراد شرعی در آن شده از چند حالت خارج نیست.

الف: حکم صادره از احکامی است که در همان دادگاه اولیه قطعی شده در ذیل این احکام قطعیت رای ذکر می‌گردد.

ب: حکم بدوی (ابتدائی) در دادگاه تجدیدنظر قطعی شده (یا تایید شده و یا نقض و حکم دیگری صادر شده و یا تغییراتی در آن صورت گرفته است).

ج: حکم صادره از احکامی است که قابل فرجام است (یعنی رسیدگی نهائی که مرجع آن دیوان عالی کشور است) و دیوان عالی کشور با رای خود حکم مورد اعتراض را تایید کرده باشد (حکم قطعی)

د: حکم صادره از دادگاه‌های نظامی صادر شده باشد اینها نیز دو دسته هستند یا ابتدائی است و یا از دادگاه نظامی یک (مرجع تجدیدنظر)

قانونگذار برای تحویل درخواست اعمال ماده ۱۸ سه مرجع را برای مراجعه تعیین کرده است اول دادستانی کل دوم رئیس کل دادگسترهای استان‌ها و سوم سازمان قضائی نیروهای مسلح رئیس محترم قوه قضائیه

برای تنظیم و تنسيق رسيدگی به درخواست‌های مراجعین طی دستورالعملی هر یک از مراجع یاد شده را برای بررسی اعتراضات خاص تعیین نموده‌اند بدین نحو که اگر حکم مورد اعتراض از احکام دسته الف یا ب باشد مستقیماً به حوزه قضائی استان مربوطه مراجعه نمایند و اگر از احکام دسته ج باشد به دادستانی کل رجوع نمایند و اگر حکم از دسته نوع د باشد به سازمان قضائی نیروهای مسلح مراجعه نمایند.

هر یک از مراجع مذکور اگر اشتباه شرعی در حکم مشاهده کردند مراتب را با استدلال به حضور رئیس قوه قضائیه گزارش می‌کنند تا در صورت تایید رسيدگی مجدد تجویز شود.

وکالت

وکالت چیست؟

وکالت به معنای نایب گرفتن است بدین معنا که یکی از طرفین پرونده بدلیل اینکه توانائی دفاع از خود را ندارد یا وقت کافی برای تدارک دفاع ندارد و یا بهر دلیل دیگری امکان شرکت در جلسات دادگاه برایش فراهم نیست برای خود وکیل می‌گیرد.

وکیل را هم برای پرونده‌های کیفری میتوان انتخاب کرد هم در پرونده‌های حقوقی اما معمولاً در تحقیقات مقدماتی که در دادسرا انجام

می‌شود و کیل پذیرفته نمی‌شود دلیل آن روشن است زیرا دادسرا در تحقیقات مقدماتی با خود متهم کار دارد و می‌خواهد اظهارات او را که در کشف جرم موثر است بشنود.

تائیر وکیل در احقاق حق

وکیل یعنی نائب، به این معنا که او بنا بر تفویض اختیاری که به او شده اقدام می‌نماید، وکیل گاهی از دعوی مدعی دفاع می‌کند و گاهی وکیل طرف مقابل است (مدعی علیه) او به جهت اینکه یک حقوقدان است و به مقررات قانونی آشنائی دارد می‌تواند مدافع خوبی برای موکل خود باشد به این معنا که وقتی وکیل مدعی می‌شود برای احقاق حق او سهل‌ترین و موثرترین راه را انتخاب می‌کند و با آشنائی که با نحوه رسیدگی در دادگاه‌ها دارد زمینه صدور یک حکم عادلانه را به خوبی می‌تواند فراهم کند. او نیز می‌داند که چه مدارکی برای طرح دعوی لازم است و دعوی چگونه باید مطرح شود علاوه بر اینها او می‌داند چگونه پاسخ دفاعیات مدعی علیه (خوانده) را بدهد زیرا طرح هر دعوائی ضمن اینکه باید بدرستی صورت گیرد آمادگی پاسخگوئی به دفاعیات کسی که علیه او دعوی طرح شده را هم لازم دارد و بسیاری کسانی که می‌توانند ادعای خود را مطرح کنند و دلائل خود را هم ارائه کنند اما نمی‌توانند از آن به خوبی دفاع کنند و جواب طرف خود را به

درستی بدهند لذا اینجا است که یک وکیل مسلط و آگاه و در عین حال متعهد می‌تواند در احقاق حق موکل خود کمک شایانی کند او در حکم دادگاه هیچ دخالتی ندارد ولی با دفاع مستدل و مستند خود مقدمات یک حکم قانونی و شرعی را پایه‌ریزی می‌کند همچنین او اگر وکیل مدعی علیه (خوانده) باشد خواهد توانست در مقابل ادعاهای ناحقی که علیه موکلش مطرح شده باشد مستدلاً و مستنداً دفاع نماید.

وظیفه وکیل

همانطور که گفتیم وکیل موکل است و شرعاً و اخلاقاً وظیفه دارد آنچه به او محول شده به نحو احسن انجام دهد. وکیل یک مشاور حقوقی نیز هست و باید آنچه به خیر و صلاح موکل وی هست اظهار کند و به خوبی از حقوق موکل خود دفاع نماید. یک وکیل شایسته می‌تواند در احقاق حق موکل خود بسیار مفید باشد و حتی مشاور خوبی برای قاضی قرار گیرد چون تبادل اطلاعات و نظرات و استدلال‌هایی که می‌شود در روشن شدن حق نقش بسزائی دارد.

جرائم ویژه و مجازات آنها

جرائم ویژه‌ای جرائمی است که شرع اسلام، خود اقدام به تعیین مجازات کرده است و آن را در اختیار بشر قرار نداده است که عبارتند از:

الف: زنا دو صورت دارد صورت اول آن است که شخصی با وجود همسری که کاملاً در اختیار او است با کسی که با او رابطه زوجیت ندارد جمع شود عمل چنین شخصی را زناى محصنه می‌گویند. مجازات چنین شخصی شدید است و به حکم شرع رجم می‌شود. رجم یعنی سنگسار کردن. صورت دوم زنا آن است که زناکار شرائط صورت اول را نداشته باشد بدین معنا که یا همسر ندارد یا اگر دارد در اختیار او نیست مجازات چنین شخصی یکصد ضربه شلاق است.

ب: لواط: لواط به معنای جمع شدن دو مرد است مجازات چنین شخصی قتل است و کیفیت آن به انتخاب حاکم است.

ج: سرقت: معنی سرقت آن است که شخصی مال دیگری را با شکستن حرز مخفیانه ببرد حد شرعی سرقتی که شروط مقرر شده را داشته باشد قطع دست است.

د: شرب خمر، معنی آن نوشیدن مسکرات و مایعات الکلی است و مجازات شرعی آن هشتاد ضربه شلاق است.

ه: مساحقه، معنی مساحقه آن است که دو زن برای ارضاء غریزه خود با هم جمع شوند و بعبارت دیگر همجنس بازی نمایند مجازات این افراد یکصد ضربه شلاق است.

و: قوادی، معنای قوادی آن است که شخصی در رسیدن دو نامحرم به همدیگر واسطه‌گری نماید و به عبارت دیگر زمینه فساد را فراهم آورد، مجازات چنین شخصی هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

ز: قذف، قذف یعنی نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که دلیلی بر گناهکار بودن وی نیست، مجازات چنین شخصی هشتاد ضربه شلاق است.

ح: محاربه، محاربه آن است که شخصی با کشیدن اسلحه در بین مردم ایجاد رعب و وحشت نماید و سلب آزادی کند محاربه گاهی ممکن است به صورت بستن راه بر مردم باشد، مجازات چنین شخصی قطع دست و پا می‌باشد.

هر یک از این جرائم مجازات خاصی دارد که تحت عنوان حدود الهی بیان می‌شود.

تعریف مجازات‌ها

مجازات‌هایی که دادگاه‌ها در احکام خود برای جرایم ویژه منظور می‌کنند عبارت است از:

الف: حدود، به آن دسته از مجازات‌هایی گفته می‌شود که مقدار آن معین است و تعیین آن از طرف شارع است.

ب: قصاص، مجازات تلافی جویانه‌ای است که شارع در موارد خاصی اجازه داده است مانند قتل یا قطع عضو.

ج: دیات، آن دسته خسارات مالی است که ناشی از ضرب و جرح است و ضارب باید به صدمه دیده پرداخت کند.

د: تعزیرات، مجازات‌هایی است که مقدار آن معین نیست و حاکم آن را با در نظر گرفتن نوع جرم و شخصیت مجرم تعیین می‌نماید.

هـ: مجازات‌های بازدارنده، نیز از طرف حاکم تعیین می‌شود، اما برای آن دسته از رفتارها که از طرف حکومت جرم شناخته می‌شود.

آشنایی با اصطلاحات قضایی

با توجه به اهمیت اصطلاحات قضایی و حقوقی که برای عامه جامعه مبهم می‌باشد در این بخش تعریف برخی از این اصطلاحات مهم ارائه شده است:

ورقه استشهدادیه: استشهدادیه ورقه‌ای است رسمی یا عادی که گواهان شهادت خود را در آن به خط خود یا دیگری نوشته باشند

ابلاغ: رساندن اوراق دعوی مانند اخطاریه، اجرای حکم، اجراء سند و... به اطلاع شخص یا اشخاص معین با رعایت تشریفات قانونی

اجرائیه: ورقه‌ای است که تحت تشریفات خاصی قانونی در مراجع قضائی یا اداری مانند اداره ثبت اسناد و املاک تهیه می‌شود و مفاد آن متضمن دستور دادگاه به انجام موضوع آن است برای مثال حکم دادگاه مبنی بر پرداخت سه ماه اجاره بهای معوقه یا تخلیه ساختمان مسکونی یا الزام به تنظیم سند رسمی و...

احضاریه: ورقه‌ای است که در آن قاضی امر می‌کند تا کسی اعم از متهم، مطلع یا گواه در دادسرا یا دادگاه حاضر شود. در صورت ابلاغ احضاریه با رعایت تشریفات مربوطه و عدم حضور مخاطب بدون عذر موجه، موجب خواهد شد تا توسط مراجع قضائی جلب گردد.

اخطاریه: یادآوری کردن رسمی یک یا چند موضوع در حدود مقررات به مخاطب است مانند اخطاریه برای حضور در دادگاه حقوقی یا ارائه اصول اسناد در دادگاه یا برای پرداخت مالیات توسط اداره دارایی.

استرداد دعوی: در امور حقوقی هرگاه خواهان (مدعی) از دعوی خود با رضایت خودش از دادخواست و ادعایش صرفنظر کند اصطلاحاً گفته می‌شود که خواهان دعوایش را مسترد کرده است.

اظهارنامه ثبتی: ورقه‌ای است چاپی و رسمی که توسط مامور دولتی مخصوص که مامور توزیع اظهارنامه نام دارد پس از تنظیم صورت مجلسی شامل حدود و نوع ملک و مشخصات آن و مالک و امضاء ریش سفیدان محل و مطلعین، بین متصرفین به عنوان مالکیت توزیع می‌شود مندرجات آن باید به صورت مجلس بالا مطابق باشد و شماره ملک هم باید در اظهار نامه ثبت شود.

اعاده دادرسی: از راههای رسیدگی فوق‌العاده به پرونده‌های مدنی، کیفری است که حکم قطعی در مورد آنها صادر شده است.

اعتراض ثالث: نوعی شکایت و دعوی است که از روش‌های فوق‌العاده شکایت از احکام مدنی است و در این دعوی شاکی از کسانی است که شخصاً یا نماینده‌اش را در مرحله محاکمه‌ای که منجر به صدور رای شده به عنوان اصحاب دعوی حضور ندارد و رای مزبور به حقوق او خلل وارد می‌کند به این اعتراض، اعتراض شخص ثالث نیز می‌گویند.

اعسار: اگر شخصی به واسطه عدم کفایت دارائی یا دسترسی به مالش، پرداخت هزینه دادرسی یا پرداخت بدهی‌اش را نداشته باشد می‌گویند فلانی معسر است و باید برای اثبات اعسارش درخواست اعسار از دادگاه صالح به عمل آورد.

التزام: در تعهد کردن گاهی در قراردادها وجهی به عنوان وجه التزام آورده می‌شود که به منظور تامین خسارت عدم انجام تعهد یا تاخیر آن مقرر می‌شود.

امور حبسی: به اموری گفته می‌شود که دادگاه‌ها باید بدون ملاحظه به اینکه در مورد آنها اختلاف و مرافعه‌ای وجود پیدا کرده یا نه وارد رسیدگی شده و تصمیم اتخاذ کنند مانند رسیدگی به اموال متوفای وارث، تعیین سرپرست برای دیوانه‌ای که ولی یا قیم ندارد.

اناطه کیفری: عبارتست از توقف رسیدگی یا تعقیب امر جزائی بر امر مدنی یا تجاری یا اداری یا کیفری برای مثال شخصی علیه دیگر به عنوان تخریب

ساختمان شکایت می‌کند و طرف مقابل در پاسخ می‌گوید که ساختمان متعلق به خودش است برای رسیدگی به این ادعا که امری است مدنی پرونده کیفری تا زمان مشخص شدن مالکیت متهم نسبت به ملک متوقف شده و رسیدگی به امر کیفری به امر مدنی منوط و موکول می‌شود.

تامین خواسته: تضمینی است که خواهان از اموال خواننده قبل از صدور حکم به نفع خودش از دادگاه می‌خواهد.

تامین دلیل: صورت‌برداری دادگاه از دلایل اثبات دعوی قبل از طرح و اقامه دعوی به منظور جلوگیری از زوال و از بین رفتن دلایل است که به درخواست خواهان به عمل می‌آید. برای مثال برای بررسی میزان پیشرفت کار ساختمان در زمان کندن پی و عدم انجام به موقع آن از سوی پیمانکار، کارفرما می‌تواند با تامین دلیل آن را برای آینده حفظ کرده و برای مطالبه خسارت استناد کند.

توقیف اجرائی: توقیف مال مدیون یا محکوم علیه از طریق اجراء ثبت یا اجرای احکام. دادگستری این توقیف مانع از تصرف مالک در مال خود می‌باشد.

ثالث: شخص دیگری غیر از طرفین قرارداد.

جرح: در دو معنا بکار می‌رود یکی تجاوز به جسم آدمی است که موجب خونریزی در قسمت بیرونی بدن می‌شود و دیگری ایراد بر عدالت دیگری نزد قاضی است مثل جرح شاهد به واسطه نداشتن شرایط شهادت.

جرم: عملی که قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی مقرر کرده است
مثل سرقت، کلاهبرداری، تصرف عدوانی و...

حکم: در امور مدنی و کیفری چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوی و قاطع باشد به آن حکم اطلاق می‌شود. برای مثال دادگاه در رای خود خواهان را به بی‌حقی محکوم می‌کند یا خوانده را به پرداخت خسارت خواهان محکوم می‌کند.
حکم حضوری: اصل بر این است که آرای محاکم حضوری است مگر آنکه خوانده یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادرسی حضور نداشته یا لایحه‌ای در پاسخ دعوی به دادگاه نفرستاده و یا ابلاغ اخطاریه به خوانده واقعی نباشد.
خسارت دادرسی: عبارتست از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که مستقیماً مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوی یا دفاع لازم است مانند هزینه دستمزد کارشناس - خسارت دیرکرد (تاخیر تادیه) خسارتی است که از بابت دیرکرد پرداخت وجه نقد از طرف مدیون باید به طلبکار داده شود.

دادخواست: شکواییه‌ای است که به مراجع قضائی به طور کتبی و در اوراق مخصوص عرضه می‌شود اصولاً در دعاوی مدنی خواهان باید خواسته‌اش را با تقدیم دادخواست در دادگاه طرح کند.

داوری: حل و فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی به دعاوی

دیه: اصولاً مالی است که از سوی مجرم به شخصی که به واسطه ارتکاب جرم مصدوم و یا در مورد متوفی به ورثه او باید بپردازد. در پاره‌ای از موارد مجرم به جای قصاص باید دیه بپردازد. برای مثال اگر انجام قصاص مقدور نباشد یا صاحب خون یا مصدوم از قصاص عفو کند.

رهن: عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به بستانکار می‌دهد و اگر مال مورد رهن از حالت وثیقه بودن خارج شود می‌گویند از مال مورد رهن فک رهن شده است.

ظهن‌نویسی: دارنده سند بدهی مانند چک، سفته و... در پشت آن با امضاء اجازه دستور می‌دهد که مبلغ سند به شخص دیگر پرداخت شود

قصاص: کیفری است که مرتکب به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد. قصاص دو نوع است قصاص عضو و قصاص نفس

قیم: نماینده قانونی مجبور که از طرف مقام قضائی صالح در صورت نبودن ولی قهری و وصی او تعیین می‌شود مانند طفلی که پدر و پدر بزرگ پدری نداشته و از طرف دادگاه به عنوان قیم انتخاب می‌شود.

کیفرخواست: درخواست دادستان از دادگاه برای به کیفر رساندن متهم. کیفرخواست حاوی نام و مشخصات محل اقامت و نوع اتهام و دلایل آن و مواد قانونی مورد استناد برای اعمال کیفر و... می‌باشد.

متداعیین: طرف دعوی، اصحاب دعوی

متهم: کسی است که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز دلایل کافی برای محکومیت او وجود نداشته و یا حکم محکومیت قطعی او صادر نشده است.

محکوم به: موضوعی که محکوم علیه به آن محکوم شده است و برای مثال در دعوی مطالبه اجبار به بهای معوقه اگر مستاجر به پرداخت ریال محکوم شود، محکوم به ریال خواهد بود.

معاینه محل: بازدید مراجع قضائی یا اداری از محل وقوع جرم یا مورد دعوی و اختلاف.

تفاوت اتهام و جرم: هرگاه شما امری را به شخصی نسبت می‌دهید ولی هنوز مرجع قضائی درباره آن اظهارنظر نکرده و به تعبیر دیگر هنوز ادعای شما ثابت نشده به آن امر اتهام گفته می‌شود. اما وقتی آن اتهام به مرحله ثبوت رسید نام آن، جرم خواهد بود. پس بنابراین جرم آن است که امری در مرجع قضائی به اثبات رسیده باشد.

انواع خدمات

خدمات حقوقی دارای تنوع زیادی است شما می‌توانید با توجه به توانمندی‌های خود در همه زمینه‌ها یا در بعضی از زمینه‌ها مشاوره دهید.

انواع خدمات مشاوره حقوقی که قابل ارائه می‌باشد عبارتند:

۱- دعاوی ملکی

ارائه مشاوره حقوقی و قبول وکالت دادگستری در کلیه دعاوی حقوقی از قبیل:

طرح و دفاع از کلیه دعاوی ملکی از جمله دعاوی خلع ید - تخلیه ید - رفع تصرف عدوانی - رفع ممانعت از حق - رفع مزاحمت - الزام تنظیم سند رسمی - الزام به فک رهن - الزام به اخذ پایان کار - الزام به اخذ صورت مجلس تفکیکی - ابطال سند - ابطال قرارداد - فسخ قرارداد - کلیه دعاوی راجع به موقوفات عام و خاص - اخذ و مطالبه اجور معوقه - اخذ و مطالبه اجرت المثل - تعدیل (به روز کردن) اجاره بها - مطالبه سر قفلی و حق کسب و پیشه و تجارت - تخلیه اماکن تجاری مشمول قانون سال ۱۳۵۶ - تخلیه اماکن تجاری و مسکونی مشمول قانون سال ۱۳۷۶ - تخلیه اماکن مسکونی مشمول قانون سال ۱۳۶۲ - تجویز انتقال منافع - اخذ به شفه - مطالبه ثمن - الزام به تحویل مبیع - مطالبه سهم الارث - اخذ دستور فروش ملک مشاع (تقسیم قیمت ملک مشاعی) - مطالبه وجه اسناد تجاری (سفته، چک، قبض انبار، برات) - تنفیذ وصیت نامه - اصلاح و یا تغییر شناسنامه (تغییر نام، تغییر سن و...) - نصب و عزل قیم - عزل ولی قهری - طرح دعاوی حجر

و سایر دعاوی و مسایل حقوقی

۲- قراردادهای

ارائه مشاوره حقوقی و قبول وکالت دادگستری و انعقاد، اجرا و پشتیبانی کلیه دعاوی و مسائل راجع به قراردادهای از قبیل:

مشاوره در زمینه انعقاد کلیه قراردادهای عمومی و خصوصی - پشتیبانی اجرای قراردادهای مستند - طرح و دفاع از کلیه دعاوی راجع به قراردادهای مربوط به مشارکت مدنی یا هر نوع قرارداد حاوی تعهد - مشاوره در زمینه تفسیر و توصیف قراردادهای - قبول و اجرای داورى در قراردادهای و سایر دعاوی و مسائل مربوط به قراردادهای

۳- دعاوی تجاری

ارائه مشاوره حقوقی و قبول وکالت دادگستری در زمینه طرح یا دفاع از کلیه دعاوی تجاری از قبیل:

مشاوره در تأسیس انواع شرکتهای تجاری - مشاوره در تدوین اساسنامه و شرکتنامه - مشاوره حقوقی به مدیران شرکتهای تجاری (به طور موردی و مستمر) - طرح و دفاع از دعاوی راجع به شرکتهای تجاری از جمله - ورشکستگی - انحلال - ابطال تصمیمات هیأت مدیره یا مدیر عامل - مطالبه وجوه کلیه اسناد تجاری - مشاوره و اجرای داورى در زمینه اختلافات شرکاء و اختلافات شرکت با شخص حقیقی تاجر یا طرف قرارداد

۴- دعاوی خانوادگی

ارائه مشاوره حقوقی و قبول و کالت دادگستری در زمینه طرح یا دفاع از دعاوی خانوادگی از قبیل:

طلاق توافقی - طلاق به درخواست زوج - طلاق به درخواست زوجه -
ابطال نکاح - فسخ نکاح - مشاوره حقوقی قبل از ازدواج - مطالبه مهریه(از طریق دادگاه یا اجرای ثبت) - مطالبه نفقه زوجه - مطالبه نفقه فرزند مشترک - اعمال و اجرای شروط ضمن عقد نکاح - مطالبه اجرت المثل کارهای زوجه در منزل زوج - الزام زوجه به تمکین و انجام وظایف زناشویی - مطالبه و استرداد هدایای دوران نامزدی - حضانت و سرپرستی فرزند مشترک - سلب حضانت - مشاوره در زمینه ازدواج موقت و سایر دعاوی و مسائل خانوادگی

۵- دعاوی کیفری (جزایی)

ارائه مشاوره حقوقی و قبول و کالت دادگستری در زمینه طرح یا دفاع از کلیه دعاوی کیفری از قبیل:

کلاهبرداری - سرقت - خیانت در امانت - قتل - ضرب و جرح - رابطه نا مشروع - تجاوز به عنف - تصرف عدوانی - معامله معارض - انتقال و فروش مال غیر - تحصیل مال نامشروع - معامله ربوی - جعل - استفاده از سند مجعول - تغییر کاربری غیر مجاز - شهادت دروغ - توهین - تهدید به قتل -

تهدید به طور کلی - افترا - ترک انفاق - عدم ثبت نکاح - دعاوی کیفری
راجع به مسئولیت پزشکان - کودک آزاری
سایر عناوین و اعمال مجرمانه

۶- اجرای احکام و اسناد

پیگیری اجرای کلیه احکام و اسناد داخلی و خارجی از قبیل:
اخذ اجرائیه ثبتی در مورد مهریه - اخذ اجرائیه ثبتی در مورد چک بلامحل -
اجرای احکام محاکم داخل ایران - اجرای احکام دادگاه‌های خارجی - اجرای
اسناد تنظیم شده در خارج از کشور
و به طور کلی مسائل راجع به اجرای احکام و اسناد.

۷- اشتغال و بیمه

ارایه مشاوره حقوقی و قبول وکالت در مسایل راجع به اشتغال و بیمه
خارجیان از قبیل:

۱. اختلافات اتباع خارجی با کارفرمای ایرانی
۲. مشاوره و پشتیبانی در زمینه انعقاد قراردادهای بین‌المللی میان کارگر و کارفرما
۳. اختلافات اتباع خارجی با شرکتهای بیمه ایرانی
۴. مشاوره و پشتیبانی در زمینه انعقاد قراردادهای بیمه
و سایر موارد مرتبط

۸- امور گمرکی، مالیاتی، صادرات و واردات

ارایه خدمات مشاوره حقوقی و قبول وکالت در زمینه امور گمرکی، مالیاتی، صادرات و واردات از قبیل:

۱. کلیه خدمات حقوقی مالیاتی به اتباع خارجه و ایرانیان مقیم خارج از کشور
۲. معافیت‌های گمرکی خارجیان
۳. واردات کالا توسط خارجیان
۴. صادرات و خروج کالا توسط خارجیان
۵. دعاوی راجع به ضبط و توقیف کالا در گمرک
۶. پرداخت مالیات توسط خارجیان
۷. مشاوره و پیگیری امورات راجع به ترخیص کالا

۹- خدمات اجتماعی

ارائه مشاوره حقوقی و قبول وکالت در مورد مسایل اجتماعی مربوط به خارجیان از قبیل:

۱. خدمات مربوط به امورات تحصیلی (آموزش عالی و آموزش و پرورش)
۲. خدمات مربوط به اخذ مجوز تاسیس مراکز، موسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و هنری
۳. خدمات مربوط به امور جهانگردی
۴. خدمات مربوط به اخذ مجوزهای زیست محیطی

و سایر

✦ ۱- تابعیت و پناهندگی

ارائه مشاوره حقوقی و قبول وکالت راجع به تابعیت و پناهندگی، ورود و خروج اتباع خارجی از قبیل:

۱. پناهندگی سیاسی خارجیان در ایران
۲. ورود و اقامت اتباع خارجی در ایران
۳. لغو یا برقراری روادید (ویزا)
۴. صدور گذرنامه برای خارجیانی که قادر به اخذ گذرنامه از کشور متبوع خود نیستند
۵. وضعیت اقامت اتباع خارجی بدون گذرنامه
۶. کسب تابعیت ایران
۷. ترک تابعیت ایران
۸. وضعیت اشخاص چند تابعیتی (دارای تابعیت مضاعف)
۹. وضعیت اشخاص فاقد تابعیت (آپاتراید)
۱۰. تشخیص و اثبات تابعیت مدعیان تابعیت ایرانی
۱۱. بازگشت به تابعیت سابق
۱۲. اختیار تابعیت زوجه توسط زوج

۱۱- تجار، شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری

ارایه خدمات مشاوره حقوقی و قبول وکالت راجع به تجار، شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری از قبیل:

۱. مشاوره و مدیریت و پشتیبانی انعقاد انواع قراردادها
۲. امور مربوط به حمل و نقل کالا
۳. مشاوره و پشتیبانی انعقاد کلیه قراردادهای تجاری بین المللی
۴. مشاوره و پشتیبانی در خصوص اخذ کارت بازرگانی
۵. حل اختلافات تجاری از طریق داوری
۶. مدیریت حقوقی پروژه‌ها در کلیه مراحل
۷. دعاوی مربوط به ورشکستگی و تصفیه
۸. ثبت شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیر تجاری
۹. تاسیس شعبه و اعطای نمایندگی
۱۰. ثبت نام و علامت تجاری
۱۱. ثبت اختراعات در داخل و خارج کشور
۱۲. موارد نقض مالکیت‌های فکری (اسم و علائم تجاری)
۱۳. مشاوره و پشتیبانی انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران
۱۴. امور راجع به اخذ مجوزهای زیست محیطی جهت فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران

فرایند ارائه خدمات

الف - مراحل راه‌اندازی کسب و کار

۱- ابتدا سایت مناسبی برای معرفی و ارائه خدمات و فعالیت‌های خود راه‌اندازی کنید. برای راه‌اندازی این سایت لازم است گام‌های زیر را بردارید:

الف- انتخاب نام و دامنه مناسب: عنوان سایت و دامنه می‌توانند تأثیر مثبتی در مطرح شدن سایت داشته باشند عنوان سایت و دامنه باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد: ۱- جدید و منحصر به فرد باشد. ۲- مرتبط با کار و ماهیت فعالیت‌های شما باشد. ۳- ساده و کوتاه باشد. (بتوان به راحتی نوشت و یا بیان کرد).

ب- به کمک شرکت‌های طراحی سایت، سایت مناسبی را برای خود راه‌اندازی کنید این سایت باید زیبا، جذاب و خلاقانه باشد. این سایت باید دارای بخش‌های زیر باشد:

۱- معرفی شما

۲- ارائه سوابق کاری شما: این بخش از بخش‌های کلیدی سایت است که باید گواهی توانمندی‌های شما باشد به خاطر داشته باشید یکی از عواملی که در مخاطبان باعث ایجاد اطمینان خرید خدمات می‌گردد بررسی سوابق قبلی است. پس تا آنجا که

می‌توانید این بخش را تقویت کنید شما می‌توانید از سوابق شخصی خودتان یا همکارانی که می‌خواهید با آنها فعالیت خود را انجام دهید استفاده کنید.

۳- ارتباط با شما: نحوه ارائه خدمات و مشاوره را تعیین کنید و راه‌های ارتباطی مثل تلفن، فاکس و ایمیل را در آن قرار دهید.

۴- دانستنی‌ها (اخبار یا مطالب خواندنی) برای آن که سایت شما متحرک باشد و برای مخاطبان همواره جذاب و دیدنی باشد، بهتر است در بخشی با عنوان مطالب خواندنی یا دانستنی‌های حقوقی، به ارائه مطالب کاربردی و خواندنی بپردازید و همواره آن را به روزرسانی کنید.

ج- برای این سایت تبلیغات کنید و بازدید آن را افزایش دهید، برای این منظور می‌توانید از فنون بازاریابی آن لاین استفاده کنید مانند:

- ثبت در موتورهای جستجو
- تبادل لینک با سایت‌های خبری و وبلاگ‌های پر بیننده
- تبلیغات در سایت‌های اینترنتی پربیننده مانند گوگل، یاهو و...
- ارسال ایمیل‌های تبلیغاتی و خبرنامه الکترونیکی برای شرکت‌ها و گروه‌های مخاطب
- تبلیغات در روزنامه‌ها و نشریات

- نصب پوستر و بنر در محل‌های پرتردد مخاطبان سایت
 - شرکت در گروه‌های گفتگو و خبری و گذاشتن پیغام در آنها
- ۲- مشاوره‌های حقوقی خود را به صورت حرفه‌ای و با کیفیت خوب به انجام برسانید تا بتوانید در آینده آن را گسترش دهید. در صورت لزوم از افراد دیگر هم برای انجام پرونده‌های حقوقی استفاده کنید.
- ب- مراحل ارائه خدمات
- فرایند ارائه خدمات از هنگامی که مشتری به شما مراجعه می‌کند به ترتیب زیر می‌باشد:
- خدمات شما به دو صورت می‌تواند باشد:
- ۱- صرفاً ارائه خدمات مشاوره
- چنانچه فعالیت خود را صرفاً به مشاوره محدود کنید فعالیت شما تنها از طریق سایت خواهد بود. افراد می‌توانند به صورت برخط (آن‌لاین) و یا بدون اتصال به اینترنت (آفلاین) خدمات مشاوره را دریافت کنند. در این صورت دستمزد شما صرفاً شامل دستورالعمل‌هایی است که ارائه می‌کنید. در واقع شما پس از دریافت مشکلات حقوقی آنها، راه‌حل و نحوه پیگیری امور را به صورت یک جزوه تهیه و آن را بفروش می‌رسانید. برای این کار شما می‌توانید تعرفه‌های مشخصی را تهیه کنید و برای هر مشکل حقوقی، خدمات مشاوره‌ای آن را تعریف و نرخ آن را مشخص کنید.

۲- ارائه مشاوره و انجام امور حقوقی و وکالتی

حالت دوم این است که شما از اینترنت برای معرفی خود به عنوان یک وکیل استفاده می‌کنید و مراجعان به سایت بعد از پر کردن فرم سفارش **ملاقاتی را با شما خواهند داشت و یا به صورت اینترنتی با شما مذاکره می‌نمایند** و مشکل خود را مطرح می‌کنند. سپس شما با توجه به مذاکرات انجام شده و درک نیاز راه‌حل خود و مسیر دادرسی یا پیگیری امور حقوقی را برای مخاطب بیان می‌کنید و در صورت تایید و توافق قرارداد وکالتی با وی منعقد می‌کنید. در این مرحله لازم است مدت زمان انجام کار با توجه به تشریفات اداری و هزینه‌ها را با ارباب رجوع توافق کنید و پیش پرداختی دریافت کنید. سپس پرونده حقوقی یا کیفری را پیگیری می‌نمایید تا به نتیجه مطلوب دستیابید و در نهایت با ارائه نتیجه تسویه حساب نمایید.



امکانات و تجهیزات مورد نیاز

برای راه‌اندازی این کسب و کار به حداقل امکانات و تجهیزات نیاز دارید. حداقل فضای لازم برای راه‌اندازی این کسب و کار خانگی یک اتاق ۱۲ متری می‌باشد. یک دستگاه کامپیوتر و دسترسی به اینترنت ضروری است. برای انجام بهتر و سریعتر کارها تجهیزات تکمیلی عبارتند از: فکس، چاپگر، اسکنر.

ردیف	تجهیزات	مبلغ (ریال)
۱	کامپیوتر یا لپ‌تاپ معمولی	۸۰۰۰۰۰۰
۲	دستگاه چندکاره پرینتر، فکس و اسکنر	۲۵۰۰۰۰۰
۳	خط تلفن	۵۰۰۰۰۰
۴	اینترنت پرسرعت (هزینه یکسال)	۴۰۰۰۰۰۰
۵	میز تحریر و صندلی	۱۰۰۰۰۰۰
	مجموع	۱۶۰۰۰۰۰۰

نیروی انسانی مورد نیاز

این کسب و کار، کسب و کار کوچکی است که در اوایل کار یک نفر به تنهایی می‌تواند از عهده آن برآید. در ادامه با توسعه کار امکان اشتغال افراد بیشتر هم وجود دارد.

سرمایه مورد نیاز

ریال	شرح سرمایه	نوع سرمایه
۱۶۰۰۰۰۰۰	هزینه تجهیزات	سرمایه ثابت
۲۰۰۰۰۰۰	راه‌اندازی سایت (میزبان و دامنه)	
۲۰۰۰۰۰۰	طراحی سایت	
۲۰۰۰۰۰۰	هزینه تبلیغات	سرمایه در گردش (برای شش ماه)
۳۰۰۰۰۰۰	هزینه نیروی انسانی	
۱۰۰۰۰۰۰	هزینه‌های پیش‌بینی نشده	
۹۸۰۰۰۰۰۰	مجموع	

برآورد سرمایه مورد نیاز برای راه‌اندازی این کسب و کار خانگی مربوط به سال ۱۳۸۹ می‌باشد. برای اطلاع از سرمایه مورد نیاز به روز شده، به سایت موسسه کار و تامین اجتماعی www.ISSI.ir مراجعه فرمایید.

برای راه‌اندازی هر کسب و کاری به سرمایه ثابت برای خرید تجهیزات نیاز دارید که نوعی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود و در واقع دارایی شما از حالت نقدی به صورت غیر نقدی تبدیل می‌شود و امکان کسب درآمد را برای شما فراهم می‌کند. سرمایه در گردش شامل مجموع هزینه‌هایی است که شما در یک دوره کاری باید بپردازید تا درآمدی حاصل شود و بعد از آن درآمد حاصله بخشی بصورت سود کسب و کار و بخشی جایگزین هزینه‌های

انجام شده می شود و این چرخه همواره ادامه دارد. به یاد داشته باشید این محاسبات به صورت کلی و عمومی انجام شده و شما می‌توانید با توجه به شرایط خاص خود تا حدودی آن را تعدیل و تغییر دهید. مثلاً اگر خودتان سایتتان را طراحی کنید و یا از وبلاگ‌های رایگان استفاده کنید هزینه شما کاهش می‌یابد. همچنین هزینه نیروی انسانی در واقع هزینه‌ای که شما برای معیشت خود باید پرداخت کنید تا درآمد شما به حد مطلوبی برسد.



تخصص و مهارت‌های مورد نیاز

میزان تسلط بر مهارت			مهارت مورد نیاز	
پیشرفته	متوسط	مقدماتی		
	*		زبان انگلیسی	مهارت‌های عمومی
*			ICDL	
	*		توانایی ارتباط موثر	مهارت‌های تخصصی
*			اینترنت	
	*		حقوق	مهارت‌های ویژه
خودانگیخته، سخت کوش و بردبار			ویژگیهای فردی	
ارائه خدمات مشاوره حقوقی نیاز به تحصیلات دانشگاهی دارد و صرفاً افرادی که در رشته حقوق و رشته‌های مرتبط با آن فارغ‌التحصیل شده باشند می‌توانند خدمات مشاوره‌ای را ارائه کنند و تنها وکلای رسمی حق وکالت دارند			تحصیلات	

وضعیت بازار

نرخ پرونده‌هایی که در دادگستری‌های کشور در حال بررسی است بالا است. "یک نگاه اجتماعی برای مقایسه بین تعداد پرونده‌ها نسبت به افرادی که سالهای ۶۴ و ۸۳ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۴ در ایران با جمعیت ۴۴ میلیون و ۸۰۲ هزار نفر، ۲ میلیون و ۴۷۱ هزار فقره پرونده وجود داشت یعنی

در مقابل هر ۱۸ نفر یک پرونده قضایی وجود داشت. این در حالی است که در سال ۱۳۸۳ براساس اعلام مرکز آمار ایران جمعیت ایران ۶۸ میلیون و ۳۴۴ هزار و ۷۳۰ نفر بوده که در مقابل، تعداد پرونده‌ها ۶ میلیون و ۵۱۲ هزار فقره بوده یعنی در مقابل هر ۱۰ نفر یک پرونده قضایی وجود داشته است که تعداد این پرونده‌ها نسبت به سال ۶۴، تقریباً ۲/۵ برابر شده است و متأسفانه براساس برآورد اخیر قوه قضائیه این روند افزایش پرونده‌ها ادامه دارد و تا چند سال آتی به حدود ۱۲ میلیون پرونده خواهد رسید." (به نقل از سخنرانی آقای غلامعلی صدقی مدیرکل تشکیلات قوه قضائیه در معاونت پژوهش‌های فقهی و حقوقی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام). این واقعیت اگر چه تلخ و دردناک است اما نشان دهنده نیاز جامعه به خدمات حقوقی می‌باشد. از سوی دیگر ارائه این خدمات از طریق اینترنت هزینه

خدمات را کاهش می‌دهد و در نتیجه افراد بیشتری می‌توانند از این خدمات استفاده نمایند. این نکات نشان دهنده وضعیت مناسب بازار این کسب و کار می‌باشد.



شبهه بازاریابى و معرفى خدمات

برای كسب درآمد مناسب باید مراجعه كننده بیشترى داشته باشیم و برای این كار نیاز به يك برنامه بازاریابى داریم. برنامه بازاریابى ابزاری است كه شما را به مخاطبان مى‌رساند و امکان فروش خدمات شما را فراهم مى‌كند. برنامه بازاریابى مشخص مى‌كند كه ۱- چه خدماتى را ارائه كنید؟ ۲- به چه قيمتى ارائه كنید؟ ۳- از چه فنونى برای افزایش فروش استفاده كنید؟ ۴- چگونه خدمات خود را در دسترس مشتری قرار دهید.

تدوین برنامه بازاریابى

تدوین برنامه بازاریابى یا آمیخته یا ترکیب بازاریابى یا Marketing (4P) یکی از ابزارهاى موثر برای دستیابى به بازار هدف و فروش بیشتر است. اجزا آمیخته بازاریابى عبارتند:

- محصول یا خدمات (Product)
- قیمت (Price)
- پیشبرد فروش (Promotion)
- توزیع (Place)

۱- محصول (Product)

با توجه به توانمندی‌های خود و نیاز بازار مشخص کنید چه نوع خدماتی را می‌توانید و می‌خواهید ارائه کنید. انواع خدماتی که می‌توانید ارائه کنید عبارتند از:

- ۱- دعاوی ملکی
- ۲- قراردادهای
- ۳- دعاوی تجاری
- ۴- دعاوی خانوادگی
- ۵- دعاوی کیفری (جزایی)
- ۶- اجرای احکام و اسناد
- ۷- اشتغال و بیمه
- ۸- امور گمرکی، مالیاتی، صادرات و واردات
- ۹- خدمات اجتماعی
- ۱۰- تابعیت و پناهندگی
- ۱۱- تجار، شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری

۲- قیمت (Price)

قیمت یکی از مهمترین ارکان برنامه بازاریابی است که تاثیر مستقیم روی فروش می‌گذارد. برای تعیین قیمت خدمات خود ابتدا باید در نظر داشته

باشید که قیمت باید آنقدر پایین باشد که مشتری را جذب کند و آنقدر بالا باشد که سود مناسبی برای شما ایجاد کند. به عبارتی مشتری بدنبال قیمت هر چه پایین‌تر و کارفرما به دنبال قیمت هر چه بالاتر است. تعادل این دو خواست توسط عامل رقابت تعیین می‌شود. بنابراین برای تعیین قیمت خدمات خود دو عامل را در نظر بگیرید: ۱- قیمت تمام شده ۲- قیمت رقبا. علاوه بر تعرفه قیمتی، نحوه پرداخت‌ها هم مهم است. شما می‌توانید پرداخت‌های بلند مدت و درصدی را هم در برخی موارد پیشنهاد کنید که باعث سهولت پرداخت می‌گردد.

۳- پیشبرد فروش (promotion)

پیشبرد فروش مجموع فعالیت‌هایی است که شما انجام می‌دهید تا سطح فروش را بالا ببرد. برای این منظور تکنیک‌های زیر وجود دارد:

۱. تبلیغات

تبلیغات شامل پیام‌های بازرگانی است که شما از طریق رسانه‌ها (اینترنت، چاپی و صوتی و تصویری) به مخاطب منتقل می‌کنید. به عنوان مثال شما می‌توانید آگهی تبلیغاتی خود را از طریق وب سایت‌های پر بیننده و خبری به اطلاع مشتریان برسانید و یا با چاپ آگهی در روزنامه و نشریات خود را معرفی کنید و یا اینکه از طریق تیزرهای تبلیغاتی رادیو و تلویزیون

این معرفی را انجام دهید. تبلیغات از طریق تلویزیون بسیار گران است و برای کسب و کارهای کوچک مقدور نیست. تبلیغات در روزنامه‌ها و رادیو نیز نسبتاً گران است و تنها در صورتی که از اثر بخشی آن اطمینان داشته باشید باید اقدام کنید اما تبلیغات از طریق اینترنت بسیار مناسب است. زیرا:

- کاربران اینترنتی روز به روز زیادتر می‌شوند.
- هزینه آن از سایر تبلیغات کمتر است و وقتی شما هزینه تبلیغ را پرداخت می‌کنید که بر روی بنر شما در سایت نمایش دهنده تبلیغات کلیک شود و از سایت شما بازدید شود.
- تبلیغات اینترنتی یک ارتباط دوطرفه بین تبلیغ کننده و مخاطب ایجاد می‌کند. مخاطبان نه تنها پیام تبلیغاتی را دریافت می‌کنند بلکه قادرند بازخورد داده و سوالات خود را در مورد خدمات مطرح کنند.
- تبلیغات اینترنتی با یک پیوند مستقیم، دسترسی به اطلاعات خدمات مرتبط را برای مخاطبان فراهم می‌سازد. این قابلیت غالباً منجر به مبادله محصولات و خدمات و افزایش تعاملات می‌شود.
- در تبلیغات اینترنتی از روش‌های متنوعی برای هدفگیری مشتریان به منظور انتخاب، ارائه و نمایش تبلیغات بصورت ایستا یا پویا استفاده می‌شود. این روش‌ها ممکن است بر اساس محتوای صفحه، اطلاعات شخصی و مبادله پویای اطلاعات باشند.

- تبلیغات اینترنتی دارای دسترسی جهانی است و در تمام روزهای سال و تمام ساعت روز در دسترس می‌باشد که این موجب افزایش قابلیت مشاهده و گسترش بازار آن شده است.
- تبلیغات اینترنتی دارای ویژگی نمایش، نگهداری و به روز رسانی آسان است که این خود به دلیل ماهیت دیجیتالی آن است. کاهش فرایند تهیه و اجرای تبلیغات از جمله نتایج این ویژگی تلقی می‌شود.
- به دلیل قابلیت هدف قرار دادن دقیق و مشخص مخاطبان، می‌توان پیام‌ها را برای جذب نیازها و خواسته‌های معین مخاطبان، طراحی کرد. هنگامی که ما دقیقاً مخاطبان را شناسایی می‌کنیم اطلاعات بهتری در خصوص نیازها و خواسته‌های آنها به دست می‌آید. از اینرو پیام آگهی ما می‌تواند بسیار جذابتر طراحی شود.
- در این نوع از تبلیغات پس از نمایش آگهی می‌توان بلافاصله فروش را نیز انجام داد.

۲. بازاریابی مستقیم

شما می‌توانید نامه و بروشور مناسبی را آماده کنید و برای آدرس‌هایی که تمایل به دریافت این نوع خدمات را دارند، ارسال کنید. این نامه می‌تواند ایمیلی باشد.

۳. بازاریابی از طریق روابط عمومی

تبلیغات از طریق روابط عمومی شامل روش‌ها و تکنیک‌هایی می‌شود که بطور غیرمستقیم باعث شهرت و اعتبار شما می‌شود و هزینه آن هم بسیار پایین‌تر است. این نوع بازاریابی برای تاثیرگذاری به زمان بیشتری لازم دارد و میزان فروش و ارائه خدمت به کندی افزایش می‌یابد ولی تاثیرگذاری آن پایدارتر است. تکنیک‌های زیر از جمله روش‌های بازاریابی از طریق روابط عمومی است:

تهیه و ارسال یک خبرنامه الکترونیکی با موضوع خدمات شما

در این روش شما یک خبرنامه یا نشریه الکترونیکی که حاوی مطالب آموزنده و نکات کلیدی و کاربردی درباره طراحی مسائل حقوقی می‌باشد تهیه می‌کنید و برای مخاطبان و بازار هدف ارسال کنید.

نگارش مقاله و انتشار آن در نشریات با عنوان خود یا موسسه‌تان

شما می‌توانید در خصوص مسائل حقوقی مطالبی را بنویسید و آنها را بصورت مقاله‌هایی برای مجلات یا نشریات مرتبط ارسال کنید و آنها بدون هزینه برای شما منتشر کنند. این باعث می‌شود شما بین مخاطبان شناخته شوید و به یاد داشته باشید افراد برای خرید یک محصول یا دریافت خدمت، سراغ کسانی می‌روند که می‌شناسند.

توزیع یا دسترسی (place)

تصمیم‌گیری درباره اینکه مخاطبان چگونه به خدمات شما دسترسی پیدا کنند رکن چهارم برنامه بازاریابی است. در این کسب و کار دسترسی مشتریان به شما از طریق سایت اینترنتی فراهم می‌گردد. افراد با بازدید از سایت شما، می‌توانند خدمات مورد نظرشان را مشخص کنند و اگر سوالی دارند پاسخ آن را بیابند و سفارش خود را ارائه کنند.

رضایت مشتری

به خاطر داشته باشید که عامل کلیدی برای گسترش فعالیت شما **رضایت مشتری** است. یعنی اینکه اگر مشتریان خدمات شما را همانطور ارزیابی کنند که شما معرفی کرده‌اید و با استفاده از آن نیازشان برآورد شود و لذت ببرند و در نتیجه رضایت یابند، مطمئناً این خدمات را به دیگران معرفی می‌کنند و درباره شما همان چیزهایی را می‌گویند که شما انتظار دارید. به این ترتیب شما به شهرت در کسب و کار دست پیدا می‌کنید. در مقابل مشتریان ناراضی درباره شما تبلیغ منفی می‌کنند و افراد را از خرید از شما منع می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که تاثیر مشتریان ناراضی بیشتر است. بطور معمول یک مشتری ناراضی بیش از ده نفر را از بهره‌مندی از خدمات شما منع می‌کنند در حالیکه مشتریان راضی حدود سه نفر را تشویق می‌کنند که از

خدمات استفاده کنند این نشان می‌دهد که شما نباید اجازه دهید مشتری ناراضی شود که چرا تاثیر منفی آن بسیار زیاد است و همواره باید بدنبال رضایت مشتری باشید.

مخاطرات و آفت‌های این شغل و نحوه پیشگیری آنها

۱- عدم اعتماد به خدمات مشاوره‌ای اینترنتی

با توجه به اینکه مسائل حقوقی برای افراد اهمیت زیادی دارد و در برخی مواقع زندگی آنها به کلی تحت شعاع قرار می‌دهد، افراد حساسیت بیشتری در انتخاب مشاور حقوقی نسبت به سایر موارد از خود نشان می‌دهند. به عبارت دیگر آنها دقت بیشتری می‌کنند و با وسواس بیشتری مشاور یا وکیل خود را انتخاب می‌کنند در نتیجه جلب اعتماد آنها کار ساده‌ای نیست. بویژه اینکه اگر قرار باشد این ارتباط فقط از طریق اینترنت فراهم شود از آنجا که مخاطب تصویری از مشاور یا وکیل ندارد، به سختی می‌تواند اعتماد کند. برای حل این مشکل شما نیاز به اعتبار و شهرت دارید. یعنی اینکه مراجعان اسم شما را قبلاً شنیده باشند و از دیگران تعریف کار شما را شنیده باشند و یا اینکه به دلیل جایگاه اجتماعی خوبی که برای خود ایجاد کرده‌اید بتوانند به شما اعتماد کنند. مثلاً شما به عنوان یک مشاور حقوقی در یک مجله حضور داشته باشید. این موضوع باعث می‌شود که آنها به شما اعتماد کنند. بطور

خلاصه شما باید از طریق فعالیت‌هایی که قبلاً به عنوان اقدامات روابط عمومی ذکر شد تلاش کنید و وجهه اجتماعی خوبی را بدست آورید و برای خودتان شهرت یا اعتبار بدست آورید تا از این طریق اعتماد آنها را جلب کنید.

۲- ارائه خدمات رایگان توسط مراکز دولتی و عمومی

یکی از خطرانی که کسب و کار شما را ممکن است تهدید کند سازمانها یا موسساتی هستند که وابسته به نهادهای عمومی و یا دولتی می‌باشند و بنابر ماموریت‌های خود مشاوره‌های رایگانی را در خصوص مسائل حقوقی ارائه می‌کنند که در نتیجه مخاطبان را به خود جذب کنند.

این موضوع اگرچه تهدیدی محسوب می‌شود، خیلی نگران کننده نیست چراکه: ۱- کیفیت خدمات مشاوره‌ای این موسسات معمولاً بسیار پایین است و موارد محدودی را شامل می‌شود ۲- این مشاوره‌ها معمولاً عمومی است و به صورت سوال و جواب می‌باشد که نمی‌تواند مشکل مخاطب را حل کند ۳- تعداد این موسسات و ظرفیت آنها نیز بسیار محدود است. در نتیجه شما می‌توانید با برنامه‌ریزی و ارائه خدمات مشاوره‌ای با کیفیت و متناسب خواسته مراجعه کنندگان، مشتریان خود را جذب کنید.



توصیه‌هایی برای بهبود و توسعه شغلی

۱- همواره خود را به روز کنید. باتوجه به اینکه مقررات و قوانین در حال تغییر می‌باشند سعی کنید خود را در جریان تحولات قرار دهید و از آخرین اتفاقات و خبرها مطلع باشید.

۲- همواره سعی کنید دانش و مهارت‌های خود را افزایش دهید و از هر فرصتی برای یادگیری مهارت‌های بیشتر و جدیدتر استفاده کنید تا بتوانید توانمندی‌های خود را افزایش دهید و برای خود مزیت رقابتی ایجاد کنید.

- ۳- سعی کنید با روش‌های روابط عمومی و... ایجاد شهرت کنید. ایجاد شهرت باعث می‌شود که به جای اینکه شما به سراغ مشتری بروید، مشتری به سراغ شما بیاید. برای ایجاد شهرت توصیه‌های زیر مؤثر است:
- سایت خود را همواره به روز گردانید و سعی کنید تعداد بازدیدکنندگان آن را افزایش دهید.
 - برای برخی موسسات شناخته شده خدماتی را ارائه کنید و آنها را در سوابق خود بیاورید و در تبلیغات خود از آن استفاده کنید.
 - در سمینارها، همایش‌ها و گردهمایی‌های مرتبط شرکت کنید و سعی کنید مقاله ارائه کنید و یا سخنرانی کنید و یا کارگاه آموزشی ارائه کنید و سپس موضوع را به اطلاع مشتریان برسانید.
 - مقالاتی را بنویسید و در مجلات حقوقی منتشر کنید.

سازمان و مراکزی که با این شغل مرتبط هستند

- قوه قضائیه: <http://www.dadiran.ir>
- سازمان قضایی نیروهای مسلح [/http://www.imj.ir](http://www.imj.ir)
- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور <http://www.sabt.gov.ir>
- سازمان پزشکی قانونی کل کشور <http://www.lmo.org.ir>
- سازمان بازرسی کل کشور <http://www.gio.ir>
- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه
<http://www.judiciary-de.ir>
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه
[/http://www.law-training.ir](http://www.law-training.ir)
- دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری [/http://www.fjs.ac.ir](http://www.fjs.ac.ir)
- مرکز امور مشاوران حقوقی و کلا و کارشناسان
[/http://www.judiciarybar.ir](http://www.judiciarybar.ir)
- دفتر امور بین الملل قوه قضائیه
<http://www.bia-judiciary.ir>
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
<http://www.rooznamehrasmi.ir>
- دیوان عالی کشور <http://www.divanealee.gov.ir>
- دادستانی کل کشور <http://www.dadsetani.ir>

- دیوان عدالت اداری <http://www.divan-edalat.ir>
- وزارت دادگستری <http://www.justice.ir/portal/home>
- سازمان تعزیرات حکومتی <http://www.tazirat.gov.ir>
- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- <http://www.eqtesadepenh.com>
- ماوی (نشریه داخلی قوه قضائیه)
- <http://www.maavanews.ir>
- شبکه خبری قسط <http://www.ghest.net>
- مرکز شوراهای حل اختلاف <http://www.shoradad.ir>
- اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه
- <http://www.aafaagh.ir>
- دادسرای عمومی و انقلاب تهران <http://www.dadsara.ir>
- ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند
- <http://www.ipro.ir>
- مرکز ارتباطات مردمی قوه قضائیه
- <http://www.moshaver129.ir>
- بانک اطلاعات قوانین و مقررات دادگستری تهران
- www.ghavanin.ir
- سامانه قوانین و مقررات - طرحها و لوایح <http://tarh.majlis.ir>
- کانون سردفتاران و دفتریاران اسناد رسمی www.notary.ir

- معاونت حقوقی وزارت دفاع و نیروهای مسلح
www.defahoghghi.ir
- دبیرخانه جرائم رایانه‌ای - دفتر توسعه قضائی www.cybercrime.ir
- دادگستری استان تهران www.dadgostary-tehran.ir
- دادسرای عمومی و انقلاب تهران www.dadsara.ir
- اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری ایران
<http://www.iranbar.org>

معرفی مشاغل مرتبط و مکمل

- مشاغل مکمل این کسب و کار عبارتند:
- قضات دادسراها و دادگاه‌ها
 - کارشناسان رسمی قوه قضائیه
 - کارکنان پلیس و ضابطین قضائی
 - دفترخانه‌های ثبت اسناد رسمی
 - مددکاران اجتماعی و موسسات خیریه حامی افراد آسیب خورده

معرفی منابع آموزشی و تخصصی مورد نیاز

- مجموعه قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی، جزایی، پدیدآورنده:
علیمراد رضایی پور (گردآورنده)، آرزو رضایی پور (گردآورنده)، ناشر:
اندیشه عصر، ۱۳۸۸
- مفاهیم بنیادین حقوق مدنی و جزایی، پدیدآورنده: ابوالقاسم گرجی،
ابوالفضل احمدزاده (مصحح)، ناشر: مجد، ۱۳۸۷
- مجموعه قوانین و مقررات وکالت و مشاوره حقوقی، پدیدآورنده: فاطمه
افرنگ (تدوین)، ناشر: فکرسازان، ۱۳۸۸
- وب سایتها:

<http://dadgostary-chb.ir>

<http://entesar.ir>